

نظم جدید تنگه

راهکارهایی برای کنترل تنگه هرمز

نیک‌نامی یا قدرت؟

اکبر ثبوت

مغزهای زنگ‌زده

چرا به سازمان برنامه نیاز نداریم؟

شوگ ۲۰۰ میلیونی

افزایش وثیقه خروج دانشجویان از کشور

از اساس کذب

بنابر اطلاعات روابط عمومی دفتر رهبر انقلاب مشخص شد که ادعای محمداقبر خرازی از اساس کذب و خلاف واقع است



یادداشت روز

عدالت برای همه

و بدون استثناء

ضرورت بازنگری در قوانین مرتبط با خشونت‌های خانوادگی

فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی دبیرکل حزب کارگران سازندگی ایران



در سال‌های اخیر، همزمان با گسترش فضای مجازی و توسعه ابزارهای اطلاع‌رسانی، افکار عمومی بیش از گذشته در جریان حوادث تلخ و تکان‌دهنده‌ای قرار گرفته است که در بستر خانواده رخ می‌دهد؛ از دخترکشی و خواهرکشی گرفته تا همسرکشی و سایر اشکال خشونت علیه زنان. انتشار گسترده اخبار و تصاویر این حوادث علاوه بر ایجاد تأثر و اندوه عمومی، پرسش‌های جدی و مهمی را درباره کارآمدی قوانین موجود و نحوه اجرای آنها در جامعه مطرح کرده است.

جامعه‌شناسان، حقوق‌دانان و بسیاری از کارشناسان حوزه‌های اجتماعی سال‌هاست بر ضرورت بازنگری و اصلاح برخی قوانین تأکید می‌کنند؛ قوانینی که به باور آنان در برخی موارد نه تنها بازدارندگی کافی در برابر خشونت‌های خانوادگی ایجاد نکرده بلکه زمینه شکل‌گیری احساس تبعیض و نارضایتی عمومی را نیز فراهم آورده است. آنچه بیش از همه افکار عمومی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، تفاوت میان انتظار جامعه از تحقق عدالت و نتایجی است که در برخی پرونده‌های جنایی مشاهده می‌شود.

در مواردی که قتل در چارچوب روابط خانوادگی رخ می‌دهد، به‌ویژه هنگامی که قربانی زن یا فرزند خانواده است، نوع برخورد قانونی با مرتکب همواره محل بحث و انتقاد بوده است. برخی احکام صادره در پرونده‌های مشهور سال‌های اخیر، به‌ویژه در مواردی که مجازات‌ها با انتظار عمومی از عدالت تناسب نداشته، حساسیت اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کرده است. این وضعیت سبب شده که بخش مهمی از جامعه، به‌ویژه نسل جوان و زنان، خواستار بازنگری در قوانین مرتبط با قتل‌های خانوادگی و خشونت علیه زنان باشند.

واقعیت آن است که در دنیای امروز، مفاهیمی همچون کرامت انسانی، برابری حقوقی و حمایت مؤثر از قربانیان خشونت به یکی از مطالبات جدی جوامع تبدیل شده است. از این‌رو قوانین نیز باید متناسب با تحولات اجتماعی و نیازهای جدید جامعه مورد ارزیابی و اصلاح قرار گیرند. قتل نفس، فارغ از نسبت خانوادگی میان مرتکب و قربانی، عملی است که آثار عمیق فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد و انتظار عمومی آن است که قانون با رویکردی عادلانه، بازدارنده و مبتنی بر حفظ حقوق شهروندان با آن مواجه شود.

در این میان، نقش مجلس شورای اسلامی و کمیسیون‌های تخصصی در بازنگری و اصلاح قوانین بسیار مهم است. همچنین قوه قضائیه نیز می‌تواند با رویکردی بی‌طرفانه، مبتنی بر عدالت و متناسب با تحولات اجتماعی در افزایش اعتماد عمومی و تقویت احساس عدالت در جامعه نقش‌آفرینی کند. بی‌تردید، استحکام نظام حقوقی و انطباق آن با نیازهای روز جامعه، نه تنها به کاهش خشونت‌های خانوادگی کمک می‌کند بلکه موجب افزایش سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و تقویت احساس امنیت و عدالت در میان شهروندان خواهد شد.

استعفا نمی‌دهم

مسعود پزشکیان در دومین سالگرد پیروزی خود در یک گفت‌وگوی تلویزیونی و همچنین در جمع رؤسای ستادهای انتخاباتی‌اش از مشکلات و مصائب دو سال گذشته سخن گفت و در پاسخ به مخالفان دولت تأکید کرد که نه تنها استعفا نخواهد کرد بلکه تا پایان دوره ریاست جمهوری، پای کار خواهد ایستاد



عاطفه شمس

گروه سیاسی



مسعود پزشکیان در گفت‌وگویی تلویزیونی که بخش‌هایی از آن در شبکه‌های مجازی منتشر شده است به یکی از پرتکرارترین شایعات ماه‌های

اخیر درباره دولت چهاردهم یعنی احتمال استعفایش، واکنش نشان داد و با تأکید بر ادامه مسیر دولت گفت: «اگر استعفا بدهم، رسماً اعلام می‌کنم. استعفا نخواهم داد و پای کار می‌ایستم». رئیس‌جمهور همچنین روایت‌های شکل‌گرفته درباره اختلاف میان دولت، رهبری و نیروهای مسلح را رد کرد و با

اشاره به تلاش‌ها برای ایجاد شکاف در ساختار سیاسی کشور، سرمایه اصلی عبور از فشارها و بحران‌ها را همراهی مردم دانست. پیش از این، برخی از مخالفان دولت، با انتشار شایعاتی درصدد این بودند که بین رهبری و پزشکیان، شکاف ایجاد کرده و این موضوع را پیش بکشند که رئیس‌جمهوری نمی‌خواهد

مسئولیت خود را ادامه دهد. رئیس‌جمهور در این گفت‌وگویی که هنوز متن کامل آن منتشر نشده است، مردم را عامل اصلی حفظ انسجام کشور در شرایط دشوار دانسته و گفته است، در دو سال گذشته تمام تلاش این بوده است که کشور را از هم بپاشند.

ادامه در صفحه ۲

ایران

از اساس کذب

بنابر اطلاعیه روابط عمومی دفتر رهبر انقلاب

مشخص شد که ادعای محمدباقر خرازی

از اساس کذب و خلاف واقع است

روابط عمومی دفتر رهبر انقلاب اسلامی در واکنش به انتشار برخی مطالب و نقل قول‌ها در فضای مجازی، از جمله ویدئوی منتشر شده از سیدمحمدباقر خرازی که در آن ادعایی درباره استعفای رئیس‌جمهور و مواضع رهبر انقلاب در این باره مطرح شده بود، تأکید کرد تنها پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر انقلاب و پایگاه حفظ و نشر آثار ایشان مرجع رسمی انتشار اخبار و پیام‌های مرتبط است و مطالب خارج از این چارچوب فاقد سندیت و صحت خواهد بود. این اطلاعیه همچنین ادعای مطرح شده درباره واکنش رهبر انقلاب به نامه رئیس‌جمهور را «از اساس کذب و خلاف واقع» اعلام کرد. متن اطلاعیه روابط عمومی دفتر رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است: «با گرامیداشت اربعین حسینی و ادای احترام به روح بلند رهبر شهید انقلاب به اطلاع مردم شریف و مبعوث شده ایران می‌رساند، در روزهای اخیر برخی نقل قول‌ها از رهبری معظم انقلاب اسلامی در فضای مجازی منتشر شده که متأسفانه زمینه‌ساز تشویش اذهان عمومی و ایجاد انشقاق و اختلاف در جامعه است. بر همین اساس برخی نکات را درباره اخبار و مطالب مربوط به مقام معظم رهبری بیان می‌دارد:

۱) مرجع رسمی انتشار پیام‌ها، اخبار و مطالب مرتبط با آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر انقلاب و یا پایگاه حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب است و هرگونه مطالبی که خارج از این چارچوب منتشر شود فاقد سندیت و صحت می‌باشد.

۲) رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام‌های خود ازجمله در پیام اخیر، بر حفظ اتحاد مقدس و حفظ حرمت مسئولان دلسوز و خدمتگزاران نظام اسلامی به‌ویژه دولت محترم تأکید داشته‌اند. مطالبی که بر خلاف توصیه‌های موکد رهبری، موجب انشقاق و دودستگی در جامعه و زمینه‌ساز نسبت‌های نادرست به مسئولان محترم می‌شود، در جهت اهداف بدخواهان و دشمنان قسم خورده ملت ایران است. بر همین اساس، مطلب منتشر شده در فضای مجازی که در آن فردی ادعایی را درباره واکنش رهبر انقلاب اسلامی به نامه رئیس‌جمهور محترم مطرح کرده از اساس کذب و خلاف واقع است».

خبر

پیام کربلا، نجات مردم است

حسن روحانی: جامعه باید

از جهالت و گمراهی فاصله بگیرد

گروه سیاسی: حسن روحانی، رئیس‌جمهور

اسبق، در آستانه اربعین حسینی با تبیین فلسفه قیام عاشورا، پیام اصلی نهضت امام‌حسین(ع) را «نجات مردم» دانست و تأکید کرد که هدف آن حضرت، رهایی انسان‌ها از «جهالت» و «حیرت ضلالت» بوده است. او بازگشت به فرهنگ حسینی و

انتخاب مسیر هدایت را راه بروزفت از مشکلات امروز جامعه عنوان کرد. روحانی روز یک‌شنبه ۱۱ مرداد، در دیدار جمعی از وزیران و معاونان دولت‌های یازدهم و دوازدهم، اربعین را ادامه حرکت عاشورا دانست که با نخستین زیارت جابر بن عبدالله انصاری بر مزار امام حسین(ع) معنا یافت. در روایت زیارت جابر بن عبدالله انصاری در نخستین اربعین پس از واقعه عاشورا آمده است که او با وجود ضعف بینایی، با احترام و ارادت فراوان خود را به مزار امام حسین(ع) رساند و با خواندن زیارت اصحاب امام حسین(ع) بر فسادکاری آنان در راه حق و پابندی‌شان به ارزش‌های دینی تأکید کرد. جابر در ادامه گفت که اگرچه در روز عاشورا در کربلا حضور نداشته اما به دلیل محبت عمیق به امام حسین(ع) و همراهی با مسیر و آرمان او، خود را شریک این راه می‌داند. او با استناد به سخن پیامبر(ص) گفت هر کس قومی را دوست بدارد، در کنار آنان قرار می‌گیرد و هر کس عمل گروهی را دوست داشته باشد، در پاداش آن عمل شریک خواهد بود. روحانی نیز با اشاره به این روایت و با تأکید بر اهمیت جهت‌گیری قلبی و اعتقادی انسان‌ها اظهار کرد: «این نکته خیلی مهمی است که انسان در زندگی‌اش دلبسته به چه کسی باشد، قلب و روحش وابسته به چه کسی باشد؟ اگر ما دلبسته به حسین(ع) و راه حسین باشیم به همان نتیجه می‌رسیم». او سپس با استناد به فرازی از زیارت اربعین، فلسفه اصلی قیام عاشورا را تبیین کرد و گفت: «امام‌حسین(ع) جان خود را فدا و تثار کرد برای اینکه مردم را از گرداب جهالت و نادانی و از سرگردانی در وادی ضلالت و گمراهی نجات بدهد. یعنی تمام کربلا پیامش، نجات مردم است». او این پیام را نسنخه‌ای برای شرایط امروز جامعه عنوان کرد و افزود: «امروز هم اگر ما در جامعه، مشکلاتی داریم برای همین است. باید در پناه امام حسین و خیمه امام حسین، جامعه ما از جهالت‌ها و گمراهی‌ها، بیشتر و بیشتر فاصله بگیرد و مسیر هدایت را انتخاب کند و در مسیر گمراهی و اشتباه نماند».

میهن

ادامه تیتیریک

استعفا نمی‌دهم

اگر تا امروز مانده‌ایم به‌خاطر مردم نجیب ایران بوده است که ما را نگه داشته‌اند؛ نه‌قط آنهایی که در خیابان بودند بلکه آنهایی که در دلشان، عقده‌ها و گلایه‌هایی داشتند اما به‌خاطر ایران به خیابان نیامدند و مشکلی ایجاد نکردند؛ نه‌تنها مشکل ایجاد نکردند بلکه همراهی، همدلی و هم‌صدایی کردند.

پزشکیان با اشاره به جایگاه رهبر شهید در حمایت از دولت به موضوع قانون حجاب و حمایت‌های رهبر شهید نیز اشاره کرد و گفت که در آن مقطع، رهبر انقلاب با حمایت از دولت مانع از شکل‌گیری تنش اجتماعی شدند: «در موضوع قانون حجاب، خیلی‌ها فشار می‌آوردند که این روند اجرا شود؛ اما ایشان کمک کردند، ناگهان کاری نکنیم که جامعه با تنش مواجه شود. ایستادند و از ما حمایت کردند و توانستیم تا امروز پیش بیایم. اگر کمک ایشان نبود، احتمال داشت تنش‌های اجتماعی خیلی زودتر از جنگ در جامعه شکل بگیرد و بروز پیدا کند».

او درباره عبارت «علی‌الاصول موافق نبودم» در پیام منتشرشده از سوی رهبر انقلاب نیز گفته است، پیامی از ایشان منتشر شد که «علی‌الاصول موافق نبودم» اما در نهایت اجازه دادند، توافق شکل بگیرد. عده‌ای که به‌دنبال تفرقه و زنده کردن شکاف‌ها بودند و می‌خواستند به اهداف حزبی خود برسند، در نتیجه تلاش کردند، موضوع را بزرگ کنند. پزشکیان تأکید کرد: «ایشان دیدگاهی داشتند و پس از جمع‌بندی‌ای که در همان شورا انجام شد، گزارش‌ها به خدمت‌شان ارائه شد. فرمودند اگر سه‌چهارم آرا را به‌دست آورد، من می‌پذیرم. این تصمیم به‌جای سه‌چهارم، رأی ۱۲ نفر از ۱۳ نفر را به دست آورد و ایشان نیز پذیرفتند. این یعنی نظر کارشناسی را پذیرفتند و براساس نظر کارشناسی تصمیم گرفتند». او با بیان اینکه «اما همین موضوع بهانه‌ای در اختیار عده‌ای قرار گرفت تا شکاف ایجاد کنند و سخنانی بگویند که نه منصفانه بود و نه صادقانه» گفت: «تلاش کردند، مسئله را به‌گونه‌ای جلوه دهند که دیگران چنین و چنان‌اند. انصاف هم چیز خوبی است».

جلسه با رهبر شهید در باره حوادث دی

رئیس‌جمهور درباره نخستین جلسه‌ای که درباره آسیب‌دیدگان حوادث دی برگزار شد و موضوعاتی که با رهبری شهید مطرح شد، تصریح کرد: «ایشان بسیار ناراحت بودند و ما هم به‌شدت ناراحت بودیم؛ چون اقداماتی که صورت گرفته بود واقعاً بسیار وحشیانه بود. از طرفی، به‌دلیل نبود آمادگی لازم در مدیریت ماجرا، افراد زیادی آسیب دیدند. جوانان زیادی جان باختند و شهید شدند و عده‌ای نیز اعضای بدن خود را از دست دادند. این حادثه هنوز هم از ذهن من خارج نمی‌شود و نمی‌توانم آن را فراموش کنم. ما نباید اجازه می‌دادیم کار به اینجا برسد». پزشکیان ادامه داد: «خود ترامپ نامرد هم صریحاً گفت که این افراد را مسلح کرده و از آنها پشتیبانی می‌کرده‌اند؛ بنابراین روشن بود که چه هدفی داشتند. با این حال عده‌ای از افراد بی‌گناه نیز در میان آنها قرار گرفته بودند. واقعیت این است که ما مشکلاتی داشتیم و همچنان هم داریم. عده‌ای به‌حق مشکلات خود را مطرح می‌کردند اما گروهی دیگر می‌خواستند از این فضا برای تحقق نیت‌های شوم و پلید خود استفاده کنند و همین مسئله باعث شد، روند درهم‌آمیخته شود».

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشاره به حوادث اعتراضی و دشواری تفکیک میسان مطالبات واقعی

سیاست

نامه دانشگاهیان به پزشکیان

بررسی رویدادهای سیاسی

و اقدامات خشونت‌آمیز، اظهار کرد: «وقتی یک اعتراض به شورش تبدیل می‌شود، دیگر تشخیص دوست و دشمن آسان نیست و روند به نقطه‌ای می‌رسد که حوادث سختی رخ می‌دهد». پزشکیان با انتقاد از آنچه انتشار آمارهای غیرواقعی درباره جان‌باختگان حوادث اخیر خواند، گفت: «شما دیدید برخی رسانه‌ها و خبرنگاران مدعی شدند در ایران ۴۰ هزار یا ۶۰ هزار نفر کشته شده‌اند». وی افزود: «وقتی دیدیم چنین فضایی شکل گرفته است، گفتیم اسامی و کد ملی همه جان‌باختگان و شهدا را اعلام کنند و هر کس نام فرد دیگری را دارد، ارائه دهد. اما کسانی که در خارج از کشور نشسته‌اند و خود را دلسوز، آگاه و گاهی روشنفکر و دانشمند نشان می‌دهند، یک آمار حدود سه‌هزار نفری را به ۳۰ یا ۴۰ هزار نفر تبدیل کردند و افکار عمومی را به انحراف کشاندند. این رفتار نشان می‌دهد که چقدر نامرد و وطن‌فروش هستند».

تکرار داستان استعفا

اما انتشار این گفت‌وگوی ضبط شده، همزمان شد با شایعاتی که طی دو روز گذشته درباره استعفای رئیس‌جمهور در فضای مجازی مطرح شد. برای دولت پزشکیان، «استعفا» به کلیدواژه‌ای تبدیل شده که هر بار در آستانه یک بحران یا تصمیم مهم سیاسی دوباره فعال می‌شود؛ روایتی که هر بار با یک منبع، راوی و ادعای تازه بازتولید می‌شود تا سایه تردید را بر فضای سیاسی کشور بیندازد. پزشکیان اما این بار ترجیح داد شخصاً به این روایت‌ها پاسخ دهد و با رد شایعات گفت: «اگر استعفا بدهم رسماً اعلام می‌کنم. استعفا نخواهم داد و پای کار می‌ایستم». رئیس‌جمهور در این گفت‌وگو، همزمان روایت اختلاف میان دولت، رهبری و نیروهای مسلح که طی ماه‌های اخیر محل برخی فضا‌سازی‌های سیاسی قرار گرفته بود را رد کرد و با تأکید بر هماهنگی میان ارکان کشور گفت: «ما با نیروهای نظامی کاملاً هماهنگ هستیم. اگر من به‌رغم میل رهبری تهدید کنم، نیروهای نظامی می‌آیند طرف من؟ این جفایی در حق آن آدم‌هاست».

او تأکید کرد که مسئله اصلی، اختلاف میان ارکان کشور نیست بلکه تلاش برای القای چنین تصویری در افکار عمومی است. پزشکیان با اشاره به این فضا‌سازی‌ها گفت: «حالا اینها می‌خواهند یک اختلافی درست کنند که رهبر انقلاب سخن دیگری بیان می‌کنند و اینها حرف دیگری می‌زنند». موج تازه شایعات استعفا این بار پس از اظهارات سیدمحمدباقر خرازی، دبیرکل حزب‌الله ایران و مدیر حوزه علمیه امام هادی(ع) آغاز شد. او در ویدئویی که به سرعت در فضای مجازی چرخید، مدعی شد: «رهبر انقلاب (آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای) نوشتند یک‌بار دیگر پزشکیان استعفا کند، استعفاش را می‌پذیریم». او همچنین ادعا کرد که پزشکیان پیش از این بارها (۲۸بار) موضوع استعفا را مطرح کرده و پس از این هشدار از ادامه این مسیر عقب‌نشینی کرده است. خرازی همچنین ادعاهایی دیگر را نیز مطرح کرد؛ از تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی و جایگزینی محسن رضایی به‌جای علی‌اکبر ذوالقدر گرفته تا محدود شدن اختیارات سیدعباس عراقچی در مذاکرات.

در واقع، یک‌بار دیگر یک روایت بدون پشتوانه مستند از

جلسات و تصمیمات پشت پرده در سطوح عالی کشور توانست

برای سعاتانی فضای سیاسی کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد.

انتشار چنین ادعاهایی بدون ارائه مستندات معتبر، آن هم در شرایطی که به دلایل امنیتی و ملاحظات مربوط به جایگاه رهبری حتی انتشار یک فایل صوتی یا نقل یک جمله منتسب به رهبر انقلاب بدون تأیید رسمی همواره با حساسیت‌های فراوان همراه است، می‌تواند زمینه‌ساز تردید و خدشه به اعتماد عمومی شود و این سوال را مطرح کند که اطلاعات مطرح شده درباره این جلسات و تصمیمات از چه مسیری به‌دست آمده و مبنای انتشار آنها در فضای عمومی چیست. اگر چنین نقل‌قول‌هایی واقعاً مبتنی بر مواضع و تصمیمات رسمی باشد، طرح عمومی آن نیازمند شفافیت و مستندات روشن است و در غیر این صورت انتشار آنها تنها به تقویت موج شایعه و روایت‌سازی‌های بی‌پایه کمک می‌کند.

سیدمحمدباقر خرازی، دبیرکل حزب‌الله ایران و مدیر حوزه علمیه امام هادی(ع)، فرزند آیت‌الله سیدمحسن خرازی، عضو مجلس خبرگان رهبری است. او از خانواده‌ای شناخته شده در فضای سیاسی ایران می‌آید؛ برادر او، صادق خرازی، سفیر سابق ایران در سازمان ملل و فرانسه، معاون سابق وزیر امور خارجه و عمویش، شهید کمال خرازی، وزیر امور خارجه اسبق ایران است. خواهر او با حجت‌الاسلام سیدمسعود خامنه‌ای ازدواج کرده‌است. با این حال، نام محمدباقر خرازی در روزهای اخیر به دلیل اظهارات خبر‌سازش درباره رئیس‌جمهور، استعفا و تصمیمات پشت پرده کشور مطرح شد.

باستور چه گفت؟

واکنش دولت چندان طول نکشید و دفتر رئیس‌جمهور خیلی زود به این ادعاها واکنش نشان داد. سیدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، ادعای استعفای پزشکیان را «واهی و کذب محض» و این شایعات را بخشی از پروژه‌ای برای ضربه زدن به انسجام کشور دانست. طباطبایی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ادعای استعفای رئیس‌جمهور واهی و کذب محض است. ائتلاف شوم خناسان دروغ‌گو و اصحاب افراط و بی‌تدبیری اتحاد مقدس و انسجام ملی را نشانه رفته است». او همچنین نوشت کسانی که در انتخابات ناکام مانده‌اند همچنان در تلاش برای انتقام از مردم هستند: «دو سال از ناکامی‌شان در میدان ملی انتخابات گذشته هنوز در پی انتقام از اراده ملت‌اند. عروسک خیمه شب‌بازی دشمنان ایران شده‌اند».

اما پاسخ اصلی را خود رئیس‌جمهور داده است. پیش از این هم حجم شایعات درباره استعفای رئیس‌جمهور آن‌قدر افزایش یافته بود که پزشکیان تصمیم گرفت شخصاً وارد میدان شود تا نشان دهد، پاسخ به این شایعات قرار نیست صرفاً از کانال روابط عمومی دولت عبور کند. رئیس‌جمهور تأکید کرد: «من اگر استعفا بدهم، خب رسماً اعلام می‌کنم که استعفا داده‌ام. استعفا نخواهم داد و پای کار می‌ایستم».

پزشکیان در این گفت‌وگو به تلاش برخی جریان‌ها برای ایجاد تصویر اختلاف میان دولت و سایر ارکان نظام نیز واکنش نشان داد و گفت: «حالا اینها می‌خواهند بگویند که یک اختلافی درست کنند که رهبر انقلاب سخن دیگری بیان می‌کنند و این‌ها حرف دیگری می‌زنند». رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه دولت در مسیر مسئولیت خود باقی خواهد ماند، درباره توانایی مدیران و مسئولان نیز گفت: «پست را به آدمی که ناتوان است، نمی‌دهیم».

گرفت که ایران با مجموعه‌ای کم‌سابقه از فشارهای خارجی، تحریم‌های گسترده، بحران‌های اقتصادی و در ادامه، جنگ و ناامنی مواجه شد؛ شرایطی که شاید بتوان آن را از دشوارترین مقاطع تاریخ معاصر کشور دانست. در آستانه پنجاهمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند گفت‌وگویی ملی درباره آینده خویش است. تجربه نیم‌قرن گذشته نشان داده که نه بازگشت به گذشته راهگشاست و نه استمرار وضعیت موجود بدون اصلاحات می‌تواند، پاسخگوی مطالبات جامعه باشد. آینده ایران در گرو حرکت تدریجی، عقلانی و مسالمت‌آمیز به سوی حکمرانی کارآمدتر، پاسخگوتر و مردم‌سالارانه‌تر است». امضاکندگان این نامه همچنین بر نقش دانشگاهیان در ارائه راهکارهای علمی و کارشناسی برای عبور از چالش‌های پیش روی کشور تأکید کرده و آمادگی خود را برای مشارکت در مسیر تقویت منافع ملی، کاهش آسیب‌های ناشی از بحران‌ها و کمک به تصمیم‌گیری‌های راهبردی اعلام کرده‌اند.



سال نهم شماره ۲۲۹۶
چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۵

بررسی تحولات جهان

افق

بحران مهمات آمریکایی

آیا ذخایر موشکی و جنگ افزار آمریکا رو به پایان است؟

گروه بین الملل: خبرگزاری رویترز در گزارشی تازه از واقعیتی پرده برداشته که می تواند، پیامدهای راهبردی گسترده‌ای برای ارتش آمریکا داشته باشد؛ جنگ طولانی با ایران نه تنها برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه به سرعت پایان نیافت بلکه بخش قابل‌توجهی از ذخایر مهمات دقیق و دوربرد ایالات متحده را نیز به مصرف رساند. موضوعی که اکنون به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امنیتی و نظامی دولت آمریکا تبدیل شده و بحث درباره آمادگی این کشور برای مواجهه با بحران‌های احتمالی آینده، به‌ویژه در برابر چین و روسیه، را تشدید کرده است.

کاهش موشک‌های راهبردی

براساس گزارش رویترز، ارتش آمریکا در جریان جنگ با ایران تقریباً تمامی ذخایر موشک‌های زمین‌به‌زمین دوربرد خود شامل سامانه موشکی تاکتیکی ارتش (ATACMS) و موشک نسل جدید «پرزم» (PrSM) را مصرف کرده است. این دو موشک از مهم‌ترین تسلیحات دقیق ارتش آمریکا به شمار می‌روند و امکان هدف قرار دادن اهداف راهبردی از فاصله‌ای امن را فراهم می‌کنند. اهمیت این تسلیحات تنها به جنگ با ایران محدود نمی‌شود. موشک‌های اتکمز پیش‌تر در اختیار اوکراین قرار گرفته بودند و نقش مهمی در حملات به اهداف نظامی روسیه ایفا کردند. در همین حال موشک پرزم نیز به‌عنوان نسل جدید این خانواده

دیپلماسی

نظم جدید تنگه

تلاش برای اتخاذ راهکارهای جدید برای اداره تنگه هرمز

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

تنگه هرمز بار دیگر به کانون اصلی تقابل ایران و آمریکا تبدیل شده است. در شرایطی که واشنگتن برای دستیابی به توافقی فوری تلاش می‌کند، تهران نیز نشان داده که بدون دریافت تضمین‌های محکم، حاضر نیست مهم‌ترین اهرم راهبردی خود را به آسانی کنار بگذارد. مجموعه تحولات روزهای اخیر نشان می‌دهد که سرنوشت بازگشایی تنگه هرمز اکنون بیش از هر زمان دیگری به مذاکرات سیاسی گره خورده است.

فرصت دوباره برای توافق

درحالی که طی روزهای گذشته، فضای رسانه‌ای از احتمال آغاز حملات گسترده آمریکا، با همراهی اسرائیل علیه ایران حکایت داشت، دونالد ترامپ به شکلی ناگهانی، موضع خود را تغییر داد و بار دیگر از فرصت دادن به دیپلماسی سخن گفت. به ادعای بلومبرگ این فرصت تنها تا روز سه‌شنبه اعتبار دارد.

ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال» رهبران جمهوری اسلامی را «به‌طرز باورنکردنی‌ای دورو» توصیف کرد و مدعی شد که آنها از یک‌سو درخواست دیدار و مذاکره می‌کنند و از سوی دیگر هرگونه گفت‌وگو را انکار می‌کنند. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین در دفتر بیضی کاخ سفید، در جمع خبرنگاران مدعی شد که مذاکرات با ایران «به‌سرعت پیش خواهد رفت» و پیش‌بینی کرد، تنگه هرمز تا روز سه‌شنبه به‌طور کامل بازگشایی شود؛ اقدامی که به گفته او «مرحله نخست» یک توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن خواهد بود.

ترامپ همزمان با تکرار تهدیدهای خود مدعی شد، مذاکرات کنونی بنا به درخواست ایران و با حمایت عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر و برخی دیگر از کشورهای منطقه در جریان است. وی هشدار داد که اگر توافقی حاصل نشود این «آخرین فرصت» ایران برای امضای یک توافق مطلوب خواهد بود. در ادامه همین مواضع اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا نیز اعلام کرد که انتظار دارد تا روز چهارشنبه توافقی با تهران حاصل شود. او با لحنی تهدیدآمیز مدعی شد که هفته گذشته ایران در آستانه مواجهه با بزرگ‌ترین عملیات نظامی آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم قرار داشت. اظهارات بسنت درحالی مطرح شد که مارکو رویو وزیر امور خارجه آمریکا مدعی شد، مذاکرات میان ایران، عمان و آمریکا درباره افزایش تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز پیش‌رفت داشته اما هنوز به توافق نهایی نرسیده است. مجموعه این اظهارات متناقض و تغییرات سریع در مواضع کاخ سفید از نگاه بسیاری از ناظران نشان می‌دهد که دولت

تسلیماتی قرار است در آینده، جایگزین اتکمز شود و ستون فقرات توان تنها جمی زمینی ارتش آمریکا را تشکیل دهد.

جنگی که طولانی‌تر از انتظار شد

دونالد ترامپ در آغاز عملیات نظامی علیه ایران تصور می‌کرد ایسن جنگ در مدت کوتاهی پایان خواهد یافت اما طولانی شدن درگیری، محاسبات اولیه کاخ سفید را بر هم زد. به گفته منابع آگاه ادامه عملیات باعث شد، فرماندهان نظامی بارها نسبت به کاهش سریع ذخایر تسلیحاتی به رئیس‌جمهور هشدار دهند؛ هشدارى که تنها به موشک‌های تهاجمی محدود نبود و سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا را نیز دربر می‌گرفت. برخی گزارش‌ها حتی حاکی از آن است که نگرانی درباره کاهش ذخایر تسلیحاتی، یکی از عوامل مؤثر در تصمیم ترامپ برای صرف‌نظر کردن از اجرای موج جدیدی از حملات گسترده علیه ایران بوده است؛ هرچند برخی مقام‌های آمریکایی این روایت را رد کرده و فشار کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را عامل اصلی این تصمیم دانسته‌اند.

کاهش توان بازدارندگی آمریکا

آنچه بیش از همه تحلیلگران را نگران کرده، پیامدهای راهبردی این کاهش ذخایر است. موشک‌های دوربرد دقیق به‌ویژه در

سناریوی درگیری احتمالی با چین در منطقه هند و اقیانوس آرام نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ زیرا امکان حمله به اهدافی با پدافند سنگین را بدون به خطر انداختن هواپیماها و خلبانان فراهم می‌کنند. در همین راستا گزارش مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) نشان می‌دهد که طی ماه‌های جنگ حدود ۶۵درصد از موشک‌های رهگیر سامانه پاتریوت و دست‌کم ۳۸ درصد از موشک‌های سامانه تاد نیز مصرف شده‌اند. افزون بر این یکی از منابع آگاه به رویترز گفته که آمریکا نزدیک به نیمی از ذخایر جهانی موشک‌های کروز تاماهاوک خود را نیز در این جنگ به کار گرفته است. این آمار اگرچه به‌طور رسمی از سوی دولت آمریکا تایید نشده اما نشان‌دهنده فشار بی‌سابقه‌ای است که جنگ طولانی بر زنجیره تأمین تسلیحات پیشرفته آمریکا وارد کرده است.

تلاش برای بازسازی زرادخانه

کاخ سفید تلاش کرده، نگرانی‌ها را کاهش دهد. ترامپ مدعی شده، آمریکا همچنان بیش از هر کشور دیگری مهمات در اختیار دارد و صنایع دفاعی این کشور با سرعتی بی‌سابقه در حال افزایش

در تنگه هرمز نزدیک شده‌اند؛ توافقی که به اعتقاد این روزنامه ممکن است، هزینه سیاسی قابل‌توجهی برای آمریکا داشته باشد زیرا به نوعی کنترل ایران بر یکی از مهم‌ترین آبراه‌های بین‌المللی جهان را به‌رسمیت خواهد شناخت. براساس اطلاعات منتشر شده، کشتی‌های ورودی به خلیج فارس از کانالی نزدیک سواحل ایران و تحت کنترل تهران عبور خواهند کرد، درحالی که شناورهای خروجی از خلیج فارس از مسیر نزدیک به سواحل عمان حرکت خواهند کرد. با این حال همچنان میان روایت‌های منتشر شده از سوی رسانه‌های ایرانی و آمریکایی، اختلاف‌های قابل‌توجهی وجود دارد و هنوز مشخص نیست در نهایت چه سازوکاری برای مدیریت تردد دریایی اجرا خواهد شد و آیا ایران اساساً اجازه خواهد داد، وضعیت تنگه هرمز به شرایط پیش از جنگ ۴۰ روزه بازگردد یا خیر.

استقبال حزب‌الله از تفاهم تهران و واشنگتن

در کنار تلاش‌های دیپلماتیک کشورهای منطقه، حزب‌الله لبنان نیز از تفاهم اخیر میان ایران و آمریکا استقبال کرده است. شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله، اعلام کرد که عامل اصلی توقف حملات اسرائیل و کاهش شدت درگیری‌ها، تفاهم‌نامه میان تهران و واشنگتن بوده است. وی افزود، ایران تلاش کرده، موضوع لبنان در اولویت نخست این تفاهم قرار گیرد و توقف حملات اسرائیل و خروج نیروهای این رژیم از خاک لبنان را به‌عنوان یکی از شروط اصلی مذاکرات مطرح کند.

بازگشت به گذشته ممکن نیست

با وجود افزایش امیدها به کاهش تنش، کارشناسان معتقدند، بازگشایی تنگه هرمز به مراتب پیچیده‌تر از توقف حملات نظامی است. تجربه‌های تاریخی و دکترین‌های دریایی نشان می‌دهد که بستن یک آبراه راهبردی ممکن است در مدت کوتاهی انجام شود اما بازگرداندن امنیت کامل به مسیرهای کشتیرانی مستلزم پاک‌سازی مین‌های دریایی، ایجاد پوشش مؤثر پدافند هوایی و شکل‌گیری سازوکارهای سیاسی و امنیتی برای جلوگیری از برخوردهای ناخوaste است. حتی در صورت تداوم آتش‌بس‌های موقت و اجرای تفاهم‌نامه‌های دیپلماتیک، وضعیت امنیتی آب‌های منطقه همچنان شکننده باقی خواهد ماند. افزون بر این جنگ اخیر معادلات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و سیاست جهانی انرژی را دستخوش تغییرات ماندگار کرده است. کشورهای واردکننده انرژی در اروپا و آسیا اکنون با سرعت بیشتری در حال کاهش وابستگی خود به تنگه هرمز، توسعه مسیرهای جایگزین زمینی و افزایش ذخایر راهبردی نفت هستند. هم‌زمان بحران اخیر ضرورت شکل‌گیری سازوکارهای حکمرانی منطقه‌ای و تضمین‌های بین‌المللی برای آزادی کشتیرانی را بیش از گذشته آشکار کرده است. بر همین اساس حتی اگر مسیرهای دریایی از نظر فیزیکی پاک‌سازی و بازگشایی شوند، تنگه هرمز دیگر همان آبراه پیش از جنگ نخواهد بود؛ بلکه همچنان یکی از حساس‌ترین گره‌های ژئوپلیتیکی جهان باقی خواهد ماند؛ نقطه‌ای که هر تحول سیاسی با امنیتی در آن می‌تواند به سرعت بازارهای جهانی انرژی، تجارت بین‌المللی و اقتصاد جهان را تحت‌تأثیر قرار دهد.



ظرفیت تولید هستند. پنتاگون نیز تأکید می‌کند، ارتش آمریکا همچنان از توان لازم برای اجرای عملیات در هر نقطه جهان برخوردار است. با این حال بسیاری از کارشناسان معتقدند حتی با افزایش تولید جایگزینی موشک‌های پیشرفته‌ای مانند اتکمز، پرزم و تاماهاوک فرآیندی زمان‌بر خواهد بود. به همین دلیل وزارت جنگ آمریکا قراردادهای جدیدی با شرکت‌های دفاعی از جمله ریتیون برای افزایش تولید این تسلیحات منعقد کرده است تا ذخایر راهبردی خود را هرچه سریع‌تر بازسازی کند. تجربه جنگ با ایران نشان داد که حتی بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان نیز در برابر یک درگیری طولانی‌مدت با محدودیت‌های جدی در حوزه ذخایر مهمات دقیق روبه‌روست؛ محدودیتی که می‌تواند بر نحوه تصمیم‌گیری واشنگتن در بحران‌های آینده و معادلات بازآرندگی این کشور در برابر رقبای جهانی تأثیر قابل‌توجهی بگذارد. البته دیدگاه متفاوتی نسبت به انتشار این گزارش‌ها نیز وجود دارد. برخی کارشناسان می‌گویند، انتشار این اطلاعات برای تحت‌فشار قرار دادن متحدان آمریکا در زمینه تأمین تسلیحات است؛ ترسی که می‌تواند این کشورها را برای خرید بیشتر تسلیحات نظامی از آمریکا به تکاپو بیندازد.

خاورمیانه

حمله به فرودگاه عربستان

نقض حریم هوایی بدون پاسخ نمی‌ماند

یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت: نیروهای مسلح یمن با موفقیت یک مرکز حساس سعودی را در فرودگاه نجران با یک پهپاد هدف قرار دادند و یک حمله دقیق صورت گرفت. وی در ادامه افزود که این حمله در پاسخ به نقض حریم هوایی یمن توسط عربستان بر فراز استان‌های صعده و حجه با استفاده از پهپاد انجام شد. سخنگوی نیروهای مسلح یمن خاطرنشان کرد که هرگونه نقض حریم هوایی این کشور بدون پاسخ و مجازات نخواهد ماند.

یحیی سریع، هفته گذشته گفته بود که پدافند یمن یک فروند پهپاد شناسایی متعلق به عربستان را هنگام مأموریت در آسمان شمال صنعا، پایتخت یمن سرنگون کرده است.

وی مدل این پهپاد شناسایی را «کاربال» متعلق به عربستان معرفی کرد که نیروهای یمنی موفق به سرنگونی آن شدند. استان صعده یک استان کوهستانی و در فاصله ۲۴۳ کیلومتری شمال صنعا قرار گرفته است.

پیش‌تر ضیف‌الله الشامی، عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله تأکید کرد که یمن آماده است، جنگ با عربستان سعودی را به بالاترین حد ممکن برساند. در همین راستا، مجلس یمن تأکید کرد که ریاض باید در محاسبات خود تجدیدنظر کرده و به جای تشدید تنش، مسیر صلح را انتخاب کند. در این بیانیه آمده که تفاهم با یمن به مراتب به سود عربستان خواهد بود تا اتکا به ائتلاف‌های بین‌المللی.

یمن همچنین پیش‌تر در پاسخ به محاصره فرودگاه صنعا توسط عربستان و در چارچوب اصل محاصره در برابر محاصره، محاصره دریایی علیه ریاض را اعلام کرد.

به دنبال این اقدام برخی کشورهای عربی همسو با سیاست عربستان و آمریکا، بیانیه‌هایی در انتقاد از واکنش صنعا منتشر کردند. این کشورها با این اقدام محاصره ۱۲ ساله یمن و درد و رنج ملت این کشور در پی این اقدام غیرانسانی را نادیده گرفتند.



نیک‌نامی یا قدرت؟

روایت اکبر ثوبت

از نگاه سعدی به سیاست و حکومت



چهارمین نشست از سلسله‌نشست‌های متن‌خوانی «مروری بر متون برگزیده ادب فارسی» با حضور اکبر ثوبت، پژوهش‌گر تاریخ و فلسفه اسلامی، در اندیشگاه فرهنگی سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران، اکبر ثوبت در این نشست با ادامه خوانش و شرح ابیاتی از باب نخست «بوستان سعدی» با عنوان «در عدل و تدبیر و رأی»، دیدگاه‌های سعدی درباره ناپایداری قدرت، ماندگاری نام نیک، ارزش احسان و نیکوکاری، مسئولیت صاحبان قدرت در برابر مردم و پرهیز از زورگویی به ناتوانان را بررسی کرد.

ثوبت در آغاز سخنان خود، با خواندن ابیات «شنیدم که بگریست سلطان روم...» و حکایت گفت‌وگوی پادشاه روم با دانشمندی فرزانه، گفت: «سعدی به فرمانروایان یادآوری می‌کند که جهان و حکومت ماندگار نیست و اندوه حفظ قدرت، سرانجامی جز فرسودگی ندارد». او با اشاره به ابیات «مشقت نیرزد جهان داشتن / گرفتن به شمشیر و بگذاشتن» افزود: «از نگاه سعدی، به دست آوردن جهان با شمشیر و رها کردن آن در پایان زندگی، ارزش آن‌همه رنج و خون‌ریزی را ندارد و هیچ سلطنتی جز فرمانروایی خداوند پایدار نیست».

این پژوهش‌گر تاریخ و فلسفه اسلامی در ادامه، با خواندن ابیات «وز آن کس که خیری بماند روان / دمداد رسد رحمتش بر روان» گفت: «آن‌چه انسان را جاودانه می‌کند، قدرت و ثروت نیست، بلکه خیری است که از او برای مردم باقی می‌ماند. سعدی انسان را به برجای گذاشتن اثری ماندگار و سودمند برای جامعه دعوت می‌کند».

ثوبت با اشاره به ابیات «الا تا درخت کرم پروری / گر امیدواری کز او بر خوری» و «کرم کن که فردا که دیوان نهند / منازل به مقدار احسان دهند» اظهار کرد: «سعدی کرم و بخشندگی را سرمایه حقیقی انسان می‌داند و معتقد است منزلت آدمی به اندازه احسان و نیکوکاری اوست، نه به اندازه مال و مکنشش».

او سپس با شرح حکایت «مرزبان ستمکار و زاهد» افزود: «سعدی از زبان زاهد به حاکم ستمگر می‌گوید کسی که مایه پریشانی مردم است، نمی‌تواند انتظار دوستی و احترام داشته باشد؛ زیرا دوستی با مردم و عدالت، ملاک ارزش حکومت است».

ثوبت در ادامه، بسا خواندن ابیات «مها زورمندی مکن با کهان / که بر یک نمط می‌نماند جهان» و «سر پنجه ناتوان بر میبج / که گرد دست یابد برآیی به هیچ» گفت: «سعدی صاحبان قدرت را از زورگویی به ناتوانان برحذر می‌دارد و یادآور می‌شود که روزگار بر یک قرار نمی‌ماند و قدرت همیشگی نیست». او با اشاره به بیت «دل دوستان جمع بهتر که گنج / خزینه تهی به که مردم به رنج» افزود: «از نگاه سعدی، گرد آوردن دل مردم از انباشتن خزانه حکومت ارزشمندتر است و اگر پرسیدن خزانه با رنج مردم همراه باشد، چنین گنجی هیچ ارزشی ندارد».

این پژوهش‌گر تاریخ و فلسفه اسلامی در ادامه، با خواندن ابیات «به همت برآر از سستپهنده شور / که بازوی همت به از دست زور» و «لب خشک مظلوم را گو بختد / که دندان ظالم بخواهند کند» بر برتری همت، پایداری و عدالت بر زور و ستم تأکید کرد و گفت: «سعدی امید را از مظلومان نمی‌گیرد و باور دارد که ستم پایدار نیست و سرانجام ظالم به سزای کردار خود خواهد رسید».

ثوبت در بخش پایانی سخنان خود، با اشاره به ابیات «گرفتم کز افتادگان نیستی / چو افتاده بینی چرا نیستی؟» گفت: «بی‌اعتنایی به رنج افتادگان، با انسانیت سازگار نیست و سعدی مخاطب خود را به یاری ناتوانان و مسئولیت‌پذیری در برابر آنان فرا می‌خواند».

چهارمین نشست «مروری بر متون برگزیده ادب فارسی» با پرسش و پاسخ حاضران پایان یافت. این سلسله‌نشست‌ها با هدف خوانش و بررسی آثار برجسته ادب کلاسیک فارسی، دوشنبه‌ها از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه تا ۱۲ و ۳۰ دقیقه در اندیشگاه فرهنگی سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران برگزار می‌شود.

کارخانه استانداردسازی ذوق

نگاهی انتقادی به صنعتی شدن خلاقیت و ناکارآمدی کلاس‌های نویسندگی



آراکو محمودی

نویسنده و مترجم

در دهه‌های اخیر، شاهد ظهور پدیده‌ای در چشم‌انداز ادبی بوده‌ایم که می‌توان آن را صنعتی شدن خلاقیت نامید. در عصری که همه چیز -از روابط انسانی تا موفقیت‌های شغلی- باید قابل آموزش، سریع و در دسترس باشد، هنر نوشتن نیز به چنبره‌ی این منطق بازار افتاده است. کلاس‌های نویسندگی، از کارگاه‌های آنلاین پرزرق‌وبرق تا دوره‌های فشرده با صدور گواهینامه نوشتن، نوید می‌دهند که می‌توان صدای فردی را در ۱۰ جلسه تراش داد، سبک را مانند یک تکنیک آشپزی آموزش داد و «نویسنده‌شدن» را به پروژه‌ای دست‌یافتنی تبدیل کرد. اما در پس این ویتترین‌های شیک و تبلیغات خوش‌رنگ‌ولعاب، حقیقتی نادیده گرفته می‌شود که گویی برای بازار انبوه محتوا، ناخوشایند است. نویسندگی، آن‌گونه که بزرگان این هنر زیسته‌اند، نه محصول دستورالعمل‌های کارگاهی که حاصل تقلا در تاریکی، انضباط بازنویسی بی‌رحمانه و مواجهه‌ای وجودی با جهان است. این پرسش که آیا «نویسنده تولید می‌شود یا زاده می‌شود؟» شاید کهنه به نظر برسد، اما در دنیایی که کارگاه‌ها به‌جای پرورش استعداد، به فروش احساس هنرمندبودن روی آورده‌اند، پرسشی حیاتی است. در این بررسی، نگاهی می‌اندازیم به شکاف میان تکنیک‌های آموزشی و حقیقت «عرق‌ریزان روح».

توهم میان‌رُ و استانداردسازی ذوق

نخستین آسیب کارگاه‌های نویسندگی انبوه، استانداردسازی پنهان ذوق است. وقتی یک مربی

گزارش: موسیقی جهان

می‌پذیرد که در یک دوره، بیست یا سی -و گاهی بیشتر- هنرجو را هم‌زمان به «نویسنده» تبدیل کند، ناچار است متوسل به فرمول‌هایی شود که در همه آثار کارایی داشته باشد. این فرمول‌ها، که اغلب تکنیک نامیده می‌شوند، چیزی نیستند جز متوسط آماری موفقیت. کلاسی که براساس این منطق اداره می‌شود، ناخودآگاه به سمت تولید نثری سوق پیدا می‌کند که درست است: شروعی که قلاب می‌اندازد، گره‌افکنی به‌موقع، شخصیت‌هایی که به‌سادگی هم‌دلی برمی‌انگیزند و نثری که هیچ‌گاه خواننده را در ناهمواری زبان، سرگردان نمی‌کند.

اما ادبیات ماندگار، نه از دل «درست‌نویسی»، که از دل «ضرورت شکست‌خوردن» زاده شده است. کافکا، وقتی در اتاق تاریک خانه پدری می‌نوشت، به‌دنبال رعایت قواعد کلاسیک قصه‌گویی نبود؛ او به‌دنبال تسخیر وحشتی بود که زبان برایش کافی نبود. کارگاه‌های نویسندگی، در بهترین حالت، می‌توانند زبان استاندارد بازار را بیاموزند، اما هرگز نمی‌توانند آن صدای ناهمساز و غریب را که شاخصه‌ی یک نویسنده‌ی اصیل است، در فرد بیدار کنند. در واقع، بسیاری از این کلاس‌ها، هنرجو را تشویق می‌کنند که گوشه‌های تیز سبک شخصی‌اش را صیقل دهد تا «خوش‌خوان‌تر» شود؛ غافل از این‌که ادبیات بزرگ، اغلب در همین گوشه‌های تیز و ناخوشایند است که خانه کرده است.

نوشتن عرق‌ریزان روح است

ویلیام فاکنر، در جمله‌ای که شاید بیش از هر گفته‌ی دیگری در کلاس‌های نویسندگی تکرار شده و اغلب بد فهمیده شده، می‌گوید: «نوشتن عرق‌ریزان روح است». بسیاری این جمله را به‌معنای خستگی فیزیکی یا ذهنی

می‌گیرند. اما ریشه‌ی این جمله در جغرافیای زیسته‌ی فاکنر و هم‌نسلان اوست؛ نویسندگانی که در بطن بحران‌های اجتماعی، جنگ، بی‌ثباتی اقتصادی و زوال منزلتی نوشتند. برای نویسندگانی چون داستایوفسکی یا جک لندن، فقر تنها یک وضعیت مالی نبود؛ یک موقعیت هستی‌شناسانه بود. آن‌ها در وضعیت عدم امنیت مطلق می‌نوشتند. این بی‌ثباتی، آن‌ها را مجبور می‌کرد که از نوشتن برای فرار به واقعیت استفاده کنند، نه برای سرگرمی یا کسب وجهه‌ی اجتماعی. وقتی شما هیچ «ویترینی» ندارید که در آن نمایش داده شوید، نوشتن به تنها راه اثبات وجود تبدیل می‌شود. کارگاه‌های نویسندگی امروز، دقیقاً عکس این موقعیت را خلق می‌کنند. آن‌ها محیطی امن، تأییدکننده و پر از مثبت‌اندیشی هستند. در این فضاها، از هنرجو خواسته می‌شود خلاق باشد، در حالی که خلاقیت حقیقی، اغلب حاصل نوعی محاصره است. نویسنده‌ای که می‌داند در پایان کلاس، تشویق خواهد شد، نیازی ندارد که برای بقای هستی‌اش بنویسد. او برای بازخورد می‌نویسد. این تفاوت بنیادین است: نویسنده‌ی بزرگ برای رهایی از فشار می‌نویسد؛ هنرجوی کارگاه برای تأیید شدن در محیطی کنترل‌شده.

وقتی «نویسنده بودن» کالا می‌شود

در فضای نقد ادبی همیشه تأکید می‌شود که متن، جدای از نویسنده‌اش، هویتی مستقل دارد، اما کارگاه‌های مدرن، متهم به معکوس کردن این فرآیند هستند. آن‌ها هویت نویسنده را بر متن مقدم می‌دارند. کلاس‌ها به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که هنرجو قبل از آن‌که یک متن جدی بنویسد، احساس نویسنده بودن را تجربه کند. عکس‌های اینستاگرامی از جلسات کارگاهی، گواهی‌های پایان‌دوره،



تصویر اشتباه یک ستاره

روایت زندگی
سقوط و بازگشت فیل کالینز

خنده، اشک و ترمیم رابطه‌های آسیب‌دیده کنند. دخترش، لیلی کالینز، بازیرگر شناخته‌شده سریال «امیلی در پاریس»، در آن دیدار کنار پدر نشست و با گریه گفت که هرگز تصور نمی‌کرد دوباره چنین لحظاتی را تجربه کند. امروز کالینز ۷۵ساله است. جسم او دیگر مانند گذشته توانمند نیست؛ سال‌ها فشار ناشی از نااختن درام، چندین عمل جراحی ستون فقرات و زانو، آسیب‌های عصبی که توان گرفتن چوب‌های درام را از او گرفته، و ابتلا به دیابت نوع دو، بدنش را فرسوده کرده‌اند. پرستاری شبانه‌روزی، دستیار قدیمی و مدیر برنامه‌هایش در کنار او هستند. برخلاف بسیاری از هم‌نسلانش، دیگر آل‌بوم تازه، تور موسیقی یا برنامه تجاری برای عرضه ندارد.

سایه یک سوءتفاهم تاریخی

شاید مهم‌ترین ویژگی‌ی چهره امروز کالینز، آسیب‌پذیری و صداقت عاطفی او باشد. هنرمندی که با هشت جایزه گرمی، ۶ جایزه بریت، دو جایزه گلدن‌گلوب و یک جایزه

پرورنده زندگی شخصی و هنری یکی از پرافتخارترین موسیقیدانان تاریخ بریتانیا، فاصله چندانی با پایان نداشت. فیل کالینز، درامر و خواننده‌ای که با فروش خیره‌کننده آل‌بوم‌هایش، هم در قالب گروهی و هم در فعالیت انفرادی، در شمار بزرگان موسیقی قرار گرفته بود، در بیمارستانی در سوئیس بیهوش افتاده بود. نارسایی شدید اندام‌های حیاتی و از کار افتادن کلیه‌ها، نتیجه سال‌ها درگیری با اعتیاد به الکل، او را تا آستانه مرگ برده بود.

مدیر برنامه‌های پنجاه‌ساله او، با هر پنج فرزند کالینز تماس گرفت تا برای تصمیم‌گیری درباره ادامه یا قطع دستگاه‌های حفظ حیات به سوئیس بیایند؛ دیداری که بیشتر شبیه خداحافظی با پدری در حال مرگ بود. اما داستان زندگی کالینز پایان نیافت. چند ماه پس از آن رویارویی نزدیک با مرگ، او دوباره به زندگی بازگشت. در پایان همان سال، یک طبقه کامل از هتلی مجلل در نایتس‌بریج لندن را اجاره کرد تا خانواده‌اش چهار روز و چهار شب را دور از هیاهوی رسانه‌ها، صرف گفت‌وگو،

اسکار، هنوز احساس می‌کند باید از تصویری که سال‌ها از او ساخته شده، دفاع کند. کالینز معتقد است بزرگ‌ترین سوءبرداشت درباره او این بوده که مردم، موفقیت‌هایش را نتیجه جاه‌طلبی افراطی دانسته‌اند. او می‌گوید برخلاف تصور عمومی، آدم رقابتی‌ای نبوده و هرگز رویای تبدیل شدن به بزرگ‌ترین یا مشهورترین چهره موسیقی را در سر نداشته است.

او از زمانی که در سال ۱۹۷۰ به گروه جنس‌یز پیوست، مسیر حرفه‌ای درخشانی را طی کرد. پس از جدایی پیتز گابریل و برعهده گرفتن نقش خواننده اصلی، گروه را به یکی از موفق‌ترین جریان‌های موسیقی عامه‌پسند تبدیل کرد. در دهه ۱۹۸۰، هم‌زمان با موفقیت‌های گروه، با آل‌بوم‌هایی مانند «ارزش چهره» به یک ستاره جهانی تبدیل شد. او تنها هنرمندی بود که در یک روز توانست با هوایم‌ای کنکور، خود را به دو اجرای تاریخی رویداد «کمک‌زنده» در بریتانیا و آمریکا برساند. اما همین حضور گسترده در رسانه‌ها، تصویری متفاوت در ذهن

یادداشت: تلویزیون

بازنده‌ی فوتبال

ورود شبکه‌های ماهواره‌ای و پایان عصر صداوسیما

به‌نظر می‌رسد آخرین سنگر صداوسیما برای حفظ مخاطب و جذب آگهی نیز به‌زودی در حال فتح شدن باشد و اینگونه آینده یکی از بزرگ‌ترین نهادهای رسانه‌ای کشور، در هاله‌ای از ابهام و ناامیدی فرو خواهد رفت. ماجرا خیلی ساده است؛ برخی از شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای قصد دارند رقابت‌های مهم باشگاه‌های اروپا را به‌صورت زنده، بدون سانسور و با تمام حواشی پخش کنند. شبکه‌هایی که از جام جهانی ۲۰۲۲ خیلی آرام با پخش مسابقات تیم ملی ایران، به میدان رقابت با صداوسیما وارد شدند. نتیجه شروع برای این شبکه‌ها به‌نظر مثبت بود، چراکه در یکی از جنجالی‌ترین حضورهای ایران در جام جهانی، این معدود شبکه‌ها مسابقات را بدون سانسور پخش می‌کردند.

سانسور در صداوسیما

سانسور در صداوسیمای ایران، یک موضوع ساده و از پیش تعیین شده نیست. هر چیزی، در هر مقطع زمانی می‌تواند زیر تیغ سانسور قرار بگیرد و برای علاقه‌مندان به فوتبال نیز همواره سلطه بر از محدودیت و سانسور صداوسیما، نکته‌ای بسیار آزاردهنده بوده است. بسیاری از علاقه‌مندان فوتبال که مسابقات داخلی و خارجی را از تلویزیون نگاه می‌کردند، همیشه بخشی از پخش زنده را به همین دلیل از دست می‌دادند و بدتر از آن، پخش تصاویر قدیمی و تکراری، حسایی اعصاب‌شان را به‌هم می‌ریخت. حالا با وجود آنکه انحصار صداوسیما، عملاً اجازه رشد تلویزیون‌های خصوصی را نداده و نمی‌دهد و پلتفرم‌های رقیب، خیلی راحت از دور خارج می‌شوند، شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور دست به‌کار شده و از این چالش بزرگ مخاطب و انحصار رسانه ملی، بهترین و بیشترین بهره را بردند.

آزمایش موفق

بعد از آزمایش نسبتاً موفق جام جهانی ۲۰۲۲، شبکه‌های فارسی‌زبان در تعداد بیشتری جام جهانی ۲۰۲۶ را پوشش دادند، آن‌هم در حالی‌که از هر نظر امکانات و جذابیت بیشتری برای مخاطبان داشتند. علاوه بر بازی‌های با کیفیت و بدون سانسور آنها گزارشگران جوان و باتجربه و همچنین کارشناسانی داشتند که تا همین چند

وقت پیش، مهمانان برنامه‌های ورزشی تلویزیون بودند. این شبکه‌ها در جام جهانی ۲۰۲۶ توانستند بخش عمده‌ای از مخاطبان تلویزیون را قاپ بزنند و حالا با پخش کامل مسابقات باشگاهی اروپایی، قدم بزرگ‌تری برای جذب باقی‌مانده مخاطبان رسانه به‌اصطلاح ملی! بردارند. این نیز خود می‌تواند قدمی باشد برای فتح آخرین سنگر تلویزیون که پخش مسابقات فوتبال باشگاهی داخلی است.

کپی علیه کپی

صداوسیما سال‌هاست که با استفاده از شرایط تحریمی کشور و نبود دست قدرتمند قانون کپی‌رایت، بدون دغدغه و با کمترین هزینه‌ای، مسابقات فوتبال باشگاهی در ایران و همچنین رقابت‌های مهم باشگاهی و ملی در سراسر جهان را پخش می‌کند. رسانه ملی! با در دست داشتن یک رانت بزرگ، هر سال رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران را پخش می‌کند و فریاد باشگاه‌های دولتی، خصولتی و خصوصی نیز برای دریافت حق‌پخش را عملاً نشنیده می‌گیرد. دیگر همه می‌دانند که یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی هر باشگاه حرفه‌ای در سراسر جهان، پول حق‌پخش تلویزیونی مسابقاتش است. در سال ۲۰۲۵ شبکه اسکای اسپورت قراردادی به مبلغ ۶۰۷میلیارد پوند (حدود ۸۰۴۵میلیارد دلار) برای یک دوره ۴ساله (از ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۹) با لیگ برتر انگلستانی برای پخش مسابقات این لیگ بست که مبلغی حدود سالانه ۱۰۶۷۵میلیاردپوند در هر فصل می‌شود. شبکه‌های دارنده حق‌پخش اسکای اسپورت با پخش حداقل ۲۱۵ بازی در هر فصل، تی‌ان‌تی اسپورت با پخش ۵۲ بازی در هر فصل، به همراه شبکه بی‌بی‌سی برای پخش خلاصه مسابقات در برنامه می‌آ‌د دی هستند. صداوسیما اما هربار در برابر خواست باشگاه‌های ایرانی مقاومت کرده و حتی چند بار نیز کار به‌جایی رسید که اجازه ورود دوربین‌های تلویزیون به ورزشگاه‌ها را ندادند. اما این تمام برنامه تلویزیون برای پخش مجانی! مسابقات نبود چرا که بازی‌های مهمی چون لیگ قهرمانان اروپا و بازی‌های لیگ‌های اروپایی و رقابت‌های ملی بین‌المللی را نیز بدون پرداخت مبالغ سنگین کسب حق‌پخش روی آنتن می‌برد. با این‌وجود، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان با پخش مسابقات لیگ قهرمانان اروپا و مسابقات باشگاهی اروپا، آن‌هم بدون سانسورهای اعصاب خردکن و سلیقه‌ای، به‌نظر از هم‌اکنون در این رقابت جذب مخاطب به برتری برسند. شاید این شبکه‌ها با همان سبک و سیاق تلویزیون، بازی‌های لیگ برتر ایران را نیز پخش کنند و آن‌وقت دیگر برای تلویزیون چه خواهد ماند؟ موضوع قابل‌توجه اینجاست که فقط مسابقات فوتبال نیست و رقابت‌های جذاب و تماشایی مانند والیبال و کشتی نیز می‌توانند از این پس از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای دیده شوند. حالا به‌نظر صداوسیمایی که در این مقطع از نظر تولید برنامه استاندارد و ملی، در خالی‌ترین روزهای حیاتش نفس می‌کشد، یکی از مهم‌ترین دستاوردهایش را نیز در حال از دست رفتن می‌بیند و این به نظر پایان چند دهه انحصارطلبی و استفاده از رانت‌های بزرگ است که برای حذف تمام رقبیان داخلی به کار گرفته شدند.

یک نکته اشتراک داشتند: نوشتن، کار اصلاح است. کار کلاس باید آموزش همین دیسپلین اصلاح باشد. باید هنرجو را وادار کرد که یک صفحه راده بار پاک‌نویس کند، نه برای این‌که زیباتر شود، بلکه برای این‌که ضرورت آن صفحه شفاف‌تر شود. این کار، خسته‌کننده است. این کار، غیر جذاب است. و به همین دلیل است که کلاس‌های پرزرق‌وبرق امروزی تمایلی به تمرکز شدید بر آن ندارند. آن‌ها می‌ترسند که اگر سخت‌گیر باشند، هنرجو کلاس را ترک کند.

فراتر از کارگاه

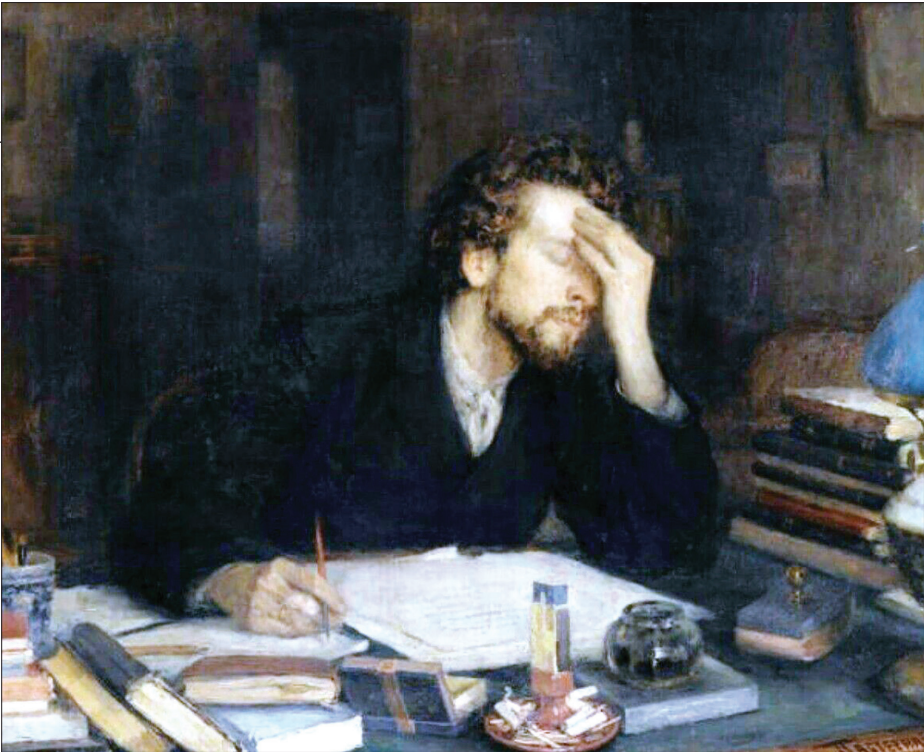
ادبیات، قلمرو ریسک است. شما نمی‌توانید در یک محیط ایزوله و شبیه‌سازی‌شده، ریسک کنید. شما باید به دل تجربه‌ی زیسته بروید، باید طعم شکست را بچشید، باید زبان را نه مثل یک ابزار مکانیکی، که مثل موجودی زنده تجربه کنید. کارگاه‌های نویسنده‌گی، اگر بخواهند از یک و پترین تولید به یک فضای پرورش تبدیل شوند، باید از نمایش فاصله بگیرند. آن‌ها باید به هنرجویان خود یادآوری کنند که هیچ گواهی‌نامه‌ای نمی‌تواند جایگزین ساعت‌ها تتهایی با واژه‌ها شود. آن‌ها باید جسارت این را داشته باشند که به هنرجو بگویند: «شاید نویسنده نباشی، و این اشکالی ندارد». کارگاه واقعی، جایی نیست که در آن به شما وعده نویسنده‌گی می‌دهند؛ جایی است که در آن، شما با خود واقعی‌تان، با محدودیت‌های ذهنی‌تان و با بی‌رحمی زبان رویه‌رو می‌شوید. درنهایت، همان‌طور که فاکتر در سخنرانی نویل خود به یادآوری وظیفه نویسنده پرداخت، نوشتن واقعی از «قلب انسان» برمی‌آید، نه از دفترچه راهنمای تکنیک‌ها. اگر کلاس نویسنده‌گی بتواند هنرجو را به آن قلب، به آن اضطراب و به آن ضرورت بازگرداند، آن‌گاه مفید است. اما اگر تنها قرار است به او یاد دهد چگونه شبیه نویسندگان بنویسد، بهتر است که آن کلاس، در خود را برای همیشه ببندد. ادبیات به شبیه‌سازی نیازی ندارد؛ به بودن نیاز دارد. و بودن، همیشه، پیش از آنکه عمومی باشد، خصوصی است. نوشتن از جایی آغاز می‌شود که شما با خودتان تنها می‌مانید؛ جایی‌که کلاس‌ها، با تمام تکنیک‌هایشان، دیگر دست‌شان به آن نمی‌رسد.

گذشته است. صبح‌ها دیر از خواب بیدار می‌شود، با کمک پرستارش تمرین‌های حرکتی انجام می‌دهد، فیزیوتراپی می‌کند و زمان زیادی را صرف تماشای تلویزیون می‌کند. او حتی علاقه خاصی به مستندهای جنایی پیدا کرده و با شوخی می‌گوید اطلاعاتش درباره قاتلان زنجیره‌ای اکنون بیشتر از صنعت موسیقی است.

ترمیم رابطه‌ها و میراث یک هنرمند

با وجود محدودیت‌های جسمانی، کالینز سال‌های اخیر را صرف بازسازی رابطه‌های انسانی کرده است. او اکنون رابطه نزدیکی با هر پنج فرزندش دارد. پسرش نیکلاس نیز راه‌پسدر را در نوازندگی درام ادامه داده و در آخرین تور جنسینز جای او را روی صحنه گرفت. یکی از اتفاق‌های خوشایند سال‌های اخیر برای کالینز، پایان یافتن اختلاف طولانی با پل مک‌کارتی بود. پس از انتقادهایی که کالینز سال‌ها قبل درباره رفتار مک‌کارتی مطرح کرده بود، این دو دوباره با یکدیگر ارتباط برقرار کردند. کالینز می‌گوید مک‌کارتی بخشی مهم از تاریخ زندگی اوست و خوشحال است که این رابطه دوباره ترمیم شده است. او که به‌زودی وارد تالار مشاهیر راک اند رول خواهد شد، هنوز خود را همان نوجوانسی می‌بیند که در تاتارهای لندن درام می‌نواخت. کالینز تأکید می‌کند موسیقی برای او هرگز درباره شهرت نبوده، بلکه درباره عشق به نواختن بوده است.

او می‌گوید از یک درامر که می‌خواند، به خواننده‌ای تبدیل شد که درام می‌نواخت؛ اما در اعماق وجودش همیشه همان نوازنده‌ای بود که عاشق ریتم بود. بزرگ‌ترین حسرت امروز او، ناتوانی در گرفتن دوباره چوب‌های درام است. ستاره‌ای که از مرگ بازگشت، پس از سال‌ها سکوت و مبارزه با مشکلات شخصی، اکنون تلاش می‌کند تصویری واقعی‌تر از خود باقی بگذارد: نه فقط یک ستاره جهانی، بلکه انسانی که پیش از هر چیز عاشق موسیقی بود.



دست‌نوشته‌های خود است. مریبان بزرگ نویسنده‌گی در تاریخ، کسانی نبودند که لیست کارهایی را به هنرجو دیکته کنند. آن‌ها کسانی بودند که به هنرجو یاد می‌دادند چگونه در متن خود، دروغ، حشو، ساتیما،تالیسم و کلیشه را شناسایی کند. کلاس موفق، کلاسی است که هنرجو در پایان آن، یاد بگیرد که چگونه مری خود باشد. آن‌چه بسیاری از کارگاه‌های انبوه امروز از آن غافل‌اند، همین تربیت نگاه انتقادی است. آن‌ها پیشتر به دنبال تأیید روانی هستند تا نقد ویرانگر. اما حقیقت این است: نقد خوب، ویرانگر است. نقد خوب، بخش‌هایی از متن شما را که بیش از حد دوست‌شان دارید اما ضعیف هستند، هدف قرار می‌دهد.

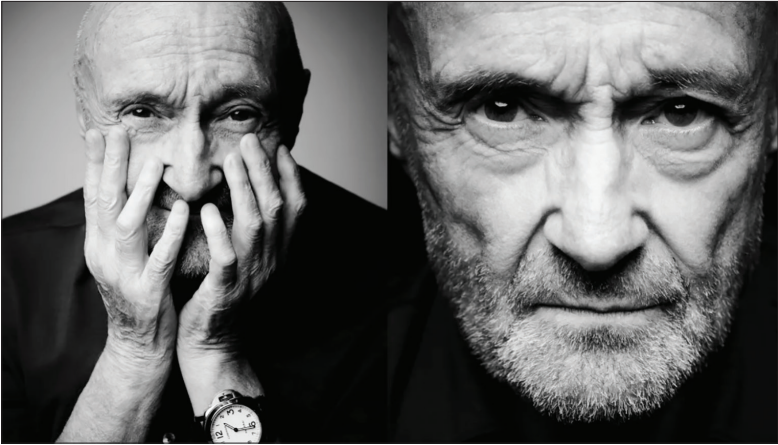
اخلاق بازنویسی

نویسنده‌گی واقعی، نه در لحظه «الهام» (که در کلاس‌ها گاهی با شور و هیجان از آن حرف می‌زنند)، بلکه در لحظه بازنویسی اتفاق می‌افتد. بازنویسی، یعنی کشتن غرور نویسنده به نفع متن. کلاس‌هایی که ایسن پیام را مخابره می‌کنند که اولین نسخه، صادقانه‌ترین نسخه است، در حق ادبیات جفا می‌کنند. نویسنندگان بزرگ، از همین‌گوی که بارها پیرمرد و دریا را از اول تا آخر بازنویسی کرد، تا فاکتر که جملاتش را لایه به لایه می‌ساخت، همگی بر

گرفت، اما در سال ۲۰۲۰ بار دیگر با بحران حقوقی رویه‌رو شد؛ زمانی‌که مشخص شد همسر سابقش بدون اطلاع او با فرد دیگری ازدواج کرده است. کالینز این اتفاق را تجربه‌ای تلخ و غیرقابل قبول توصیف می‌کند، اما می‌گوید به دلیل وجود فرزندانشان همچنان رابطه‌ای محترمانه به‌عنوان والدین مشترک دارند.

نبرد تاریکی اعتیاد

تصویری که سال‌ها از کالینز به‌عنوان مردی آرام و معمولی در صنعت موسیقی وجود داشت، با واقعیت سال‌های اخیر زندگی او تفاوت زیادی داشت. در کتاب زندگی‌نامه‌اش با عنوان «هنوز نمرده‌ام»، او از سقوط‌های جسمی و روحی، بستری شدن‌های متعدد و تلاش‌های ناموفق برای ترک الکل نوشته است. حتی کمک دوست قدیمی‌اش، اریک کلپتون، و حضور در مرکز ترک اعتیاد



نیز نتوانست مانع بازگشت او به نوشیدن شود. کالینز می‌گوید زمانی رسیده بود که نخستین کارش پس از بیدار شدن، نوشیدن شراب بود. او خود را با این تصور آرام می‌کرد که فقط تا شب مشروب می‌خورد، اما این چرخه هر روز تکرار می‌شد. بستری شدن طولانی‌مدت در سال ۲۰۲۴، آخرین هشدار جدی زندگی او بود. خودش می‌گوید نجات یافتنش را بیش‌تر از هر چیز یک شناس بزرگ می‌داند. امروز زندگی او در سوئیس آرام و دور از هیجان

مردم ایجاد کرد. در دهه ۱۹۹۰ موجی از انتقادات علیه او شکل گرفت. برخی منتقدان موسیقی‌اش را ساده و احساساتی می‌دانستند و حتی چهره‌هایی مانند نونل گلگر از گروه اوئیسیز با طعنه درباره موفقیت او صحبت می‌کردند. کالینز معتقد است حضور فراوانش در رادیو، تلویزیون و سینما به اشتباه به‌عنوان خودشیفتگی و میل به دیده‌شدن تعبیر شد، در حالی‌که هدف اصلی او تنها ساخت موسیقی بود.

افسانه «طلاقی با فکس» و بحران‌های خانوادگی

یکی از مشهورترین حاشیه‌های زندگی کالینز، جدایی او از همسر دومش، جیل تاولمن، در سال ۱۹۹۴ بود. رسانه‌های بریتانیایی سال‌ها این روایت را تکرار کردند که او همسرش را با ارسال یک فکس طلاقی داده است؛ روایتی که به یک برجسب دائمی علیه او تبدیل شد.

کالینز این داستان را تحریف‌شده می‌داند. او توضیح می‌دهد که روند قانونی طلاق در جریان بوده و فکس‌های ردویدل‌شده تنها بخشی از اختلاف‌های شخصی در دوران تور بوده‌اند که به رسانه‌ها راه پیدا کرده‌اند. با این‌حال، او اعتراف می‌کند که فشار سفرهای مداوم و احساس تعهد شدید به گروه جنسینز، به زندگی خانوادگی‌اش آسیب زد. او درباره نخستین ازدواجش با آندریا برتورلی می‌گوید که هنرمندان گاهی احساس می‌کنند نباید گروه

خود را تنها بگذارند. او نمی‌خواست کسی باشد که باعث لغو برنامه‌ها و تورهای گروه شود، اما همین انتخاب‌ها هزینه‌های عاطفی سنگینی برایش داشت. بخشی از همین شکست شخصی، الهام‌بخش ترانه مشهور «امشب در هوا» شد. پیچیده‌ترین فصل زندگی عاطفی او مربوط به همسر سومش، اوریان زوی، بود. پس از طلاقی سنگین، کالینز دچار افسردگی شد و برای نخستین‌بار به مصرف افراطی الکل روی آورد. رابطه آنها بعدها دوباره شکل

سال نهم شماره ۲۲۹۶ چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۵



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

مغزهای زنگ‌زده

چرا به سازمان برنامه و بودجه نیاز نداریم؟

علی میثمی
گروه اقتصاد

فسیل زنگ نمی‌زند. زیرا برای زنگ زدن باید هنوز آهنی باقی مانده باشد. برای فسیل شدن نیز حیات باید مدت‌ها پیش پایان یافته باشد. باین حال برخی نهادها به‌طرزی عجیب هر دو کار را همزمان انجام می‌دهند. هم اندیشه در آنها می‌میرد و هم ابزارهایشان از فرط کهنگی، صدا می‌دهند.

بیراه نیست اگر سرریال Hell on Wheels را یکی از درخشان‌ترین روایت‌ها از توسعه اقتصادی آمریکا در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌هایش بدانیم. آمریکا در میانه جنگ داخلی است و خزانه برای پروژه عظیم راه‌آهن شرق به غرب پول کافی ندارد. دولت لینکلن می‌توانست، هزینه هر مایل را حساب کند، کسری بودجه را فرمز نشان دهد و بنویسد: «به علت نبود اعتبار فعلاً این پروژه شدنی نیست». اما دولت او پرسید: چه امکانات دیگری برای کدام بازیگر جدید در اختیار داریم؟ سپس دو شرکت ریلی را به بازیگران اصلی این مأموریت ملی تبدیل کرد و حقوق و امتیازاتی استثنایی در اختیارشان گذاشت: به آنها حق عبور و بهره‌برداری از اراضی عمومی و قطعاتی از زمین‌های دو سوی مسیر را داد تا از افزایش ارزش زمین‌ها، هزینه پیشروی خط را تأمین کنند. در واقع، دولت لینکلن فقط منابع موجود را میان دستگاه‌های قدیمی تقسیم نکرد؛ بازیگر تازه‌ای برای یک مأموریت ملی ساخت و دارایی عمومی را به اهرم تبدیل کرد. دولت لینکلن اجازه نداد، بحران و نبود منابع رویای یک ملت را متوقف کند. اکنون سری به ساختمان مهمی در میدان بهارستان بزنیم: فایل‌های اکسل بی‌شمار، انبوه شاخص‌های عددی، ستون‌های اعتبار مصوب و درصد تحقق شاخص‌های مذکور. البته بیرون ساختمان، بخش‌های حیاتی کشور، از آب و انرژی گرفته تا سرمایه و فناوری، به بن‌بست خورده‌اند؛ اما داخل ساختمان، دغدغه همه این است که در اکسل، عدد خانه ۳۷ با عدد خانه ۴۲ همخوانی دارد یا نه.

همه اهل فن می‌دانند که طرح‌های سازمان در میدان عمل م‌ردانه‌اند اما شاخص‌هایشان در فایل اکسل هنوز زنده‌اند. یک گفت‌وگوی کوتاه با مدیران سازمان برنامه و بودجه، شما را به یقین می‌رساند که فلسفه وجودی این سازمان، سال‌هاست به سنجش و حسابداری صرف تقلیل یافته است. این سازمان سال‌هاست، مسئله‌ای را حل نکرده است اما به‌خوبی بلد بوده برای مسائل شاخص بسازد؛ بازیگر جدیدی رشد نداده اما تا دل‌تان بخواهد از بازیگران فرسوده گزارش خواسته است؛ و آینده را طراحی نکرده اما بارها و بارها گذشته را با اعداد تازه بازنویسی کرده است. سال‌هاست که ابزارهای این سازمان صرفاً برای پر کردن شکاف مالی دولت‌ها به کار رفته‌اند و صد افسوس که این ابزارها، کوچک‌ترین ارتباطی با رشد بازیگران جدید برای تحقق رویاهای بزرگ نداشته و ندارند. متأسفانه این ذهن زنگ زده، متعلق به یک دولت یا جناح نیز نبوده است. دهه‌هاست که دولت‌ها با وعده تغییر آمده‌اند اما خیلی زود گفتارشان به گفتار سازمان برنامه تبدیل شده است: «دیف ندارد» و «منبع نیست». بیراه نیست اگر بگوییم، گویی فراماسورنی بی‌نام و قدرتمندی از اذهان فسیل شده، شکل گرفته است که هر دولت تازه‌نفس را به تدریج رام می‌کند. تجربه کشورهای آسیای شرقی نیز نشان داده که توسعه، هنر ساختن بازیگر و زمین بازی جدید است. کره جنوبی، چانول‌هایی مانند سامسونگ و هیوندای را به بازیگرانی بزرگ برای اجرای مأموریت‌های صنعتی تبدیل و ورود آنها به صنایع پریسک و دارای ارزش افزوده مانند نیمه‌هادی‌ها و الکترونیک را تسهیل کرد. دولت ژاپن نیز محیطی جدید ساخت که در آن بانک‌ها، کی‌رتسوها و زنجیره تأمین کنندگان بتوانند، ریسک سرمایه‌گذاری بلندمدت، افزایش مقیاس و یادگیری فناوریانه را میان خود تقسیم کنند. در چین نیز، به‌ویژه در صنایع ارتباطات و خودروهای برقی و پاک، شرکت‌هایی مانند هوای و BYD در زمین بازی تازه‌ای رشد کردند که دولت برایشان ساخته بود: برای مثال BYD در بازاری باید که دولت با استانداردگذاری، ایجاد شبکه شارژ، اعطای امتیازهای تردد و تبدیل ناوگان عمومی به مشترتی اولیه، ریسک ورود به فناوری جدید را کاهش داده بود. در هر سه تجربه، دولت بود که تشخیص داد، چه بازیگری برای تحقق رویای ملی غایب است و چه مانعی باید از برابارش برداشته شود. ایران امروز زیر فشار جنگ، تحریم و فرسایش بسیار سریع سرمایه قطعاً به آن چیزی که نیاز ندارد، یک سازمان حسابداری شاخص‌هاست. بالعکس، ایران امروز، نظیر آن کمیت‌ه چهار نفره دهه طلایی ۱۳۴۰، به افرادی دارای حداقلی از خلاقیت نیاز دارد که از دل کمبود، معامله‌های بزرگ ببسازند و برای بازیگران جدید و ریسک‌پذیر، زمین بازی جدید طراحی کنند. ایران امروز به سازمانی با مغزهای فسیل زنگ‌زده که فقط بلد است، میزان توقف را دقیق‌تر اندازه بگیرد، نیاز ندارد.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

کارهای نان و آبدار

کدام رشته‌های دانشگاهی بیشترین درآمد را ایجاد می‌کنند؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

می‌گویند، انسان در زندگی سه تصمیم سرنوشت‌ساز می‌گیرد. انتخاب همسر، انتخاب شغل و انتخاب رشته تحصیلی. اگر چه این گزاره بیش از آنکه یک قانون علمی باشد یک تجربه عمومی است اما آمارهای جدید بازار کار آمریکا نشان می‌دهد، دست‌کم درباره انتخاب رشته، تجربه مردم مهم است. اختلاف درآمد میان پردآمدترین و کم‌درآمدترین رشته‌های دانشگاهی در طول عمر کاری به بیش از ۴/۳میلیون دلار می‌رسد که می‌تواند کیفیت زندگی، میزان ثروت و حتی فرصت‌های نسل بعدی یک خانواده را تحت‌تأثیر قرار دهد. انتخاب رشته تحصیلی، تصمیمی است که می‌تواند بر درآمد، کیفیت زندگی، فرصت‌های شغلی و حتی جایگاه اجتماعی افراد در دهه‌های بعد اثر بگذارد. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین پرسش‌های دانش‌آموزان و خانواده‌ها این است که «کدام رشته بیشترین بازده اقتصادی را دارد»؟

پاسخ این پرسش را می‌توان در مطالعه‌ای که براساس داده‌های سرشماری آمریکا (ACS) و پایگاه IPUMS-USA انجام شده، مشاهده کرد. این گزارش، درآمد جمعی افراد شاغل تمام‌وقت بین ۲۵ تا ۶۴ سال را در طول عمر کاری برآورد کرده و همه ارقام را بر حسب دلار سال ۲۰۲۴ محاسبه کرده است. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد، فاصله درآمدی میان رشته‌های مختلف بسیار چشمگیر است؛ به‌گونه‌ای که درآمد طول عمر یک فارغ‌التحصیل اقتصاد تقریباً سه برابر یک فارغ‌التحصیل آموزش کودکان است. نکته مهم دیگر این است که درآمد متوسط افراد فاقد مدرک دانشگاهی در طول عمر کاری حدود ۲/۶۴ میلیون دلار برآورد شده است. تقریباً تمام رشته‌های فهرست پردرآمدتر فاصله قابل‌توجهی با این عدد دارند، درحالی که برخی رشته‌های کم‌درآمد تنها اندکی بالاتر از آن قرار گرفته‌اند.

شاید برای بسیاری شگفت‌آور باشد که اقتصاد در صدر جدول قرار گرفته است. فارغ‌التحصیلان این رشته به‌طور متوسط در طول دوران کاری خود ۶/۹ میلیون دلار درآمد کسب می‌کنند؛ رقمی که از تمام رشته‌های مهندسی نیز بالاتر است. علت این برتری را باید در بازار کار متنوع اقتصاد جست‌وجو کرد. فارغ‌التحصیلان اقتصاد معمولاً وارد حوزه‌هایی مانند بانکداری سرمایه‌گذاری، مدیریت دارایی، مشاوره مدیریت، سیاستگذاری اقتصادی، تحلیل داده، فناوری مالی و مدیریت شرکت‌های بزرگ می‌شوند. بسیاری از این مشاغل علاوه بر حقوق ثابت، پاداش‌های قابل‌توجه، سهام تشویقی و فرصت‌های ارتقای سریع دارند. همچنین رشته اقتصاد در سال‌های اخیر با علوم داده، هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده پیوند عمیقی پیدا کرده و همین موضوع ارزش بازار فارغ‌التحصیلان آن را افزایش داده است. پس از اقتصاد رشته‌های مهندسی تقریباً تمام رتبه‌های بالای جدول را اشغال کرده‌اند. مهندسی شیمی با ۶/۶۸ میلیون دلار در جایگاه دوم قرار دارد. این رشته به دلیل حضور در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، داروسازی، انرژی و مواد پیشرفته همچنان یکی از پردرآمدترین رشته‌های فنی محسوب می‌شود. در رتبه‌های بعدی نیز مهندسی کامپیوتر با ۶/۴۸ میلیون دلار، مهندسی برق با ۶/۲۸ میلیون دلار، مهندسی مکانیک با ۶/۰۳ میلیون دلار و مهندسی عمران با ۵/۸ میلیون دلار قرار دارند. وجه مشترک این رشته‌ها، تقاضای بالای بازار کار، کمبود نیروی متخصص و نقش کلیدی آنها در توسعه زیرساخت‌ها و فناوری است.

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

انتظار و انتظار

بازارها در انتظار چه شرایطی هستند؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

خبرگزاری رویترز از یک مقام بلندپایه ایرانی نقل کرده است که تهران در مذاکره با مسقط خواستار کنترل بر مسیر ورودی کشتی‌ها به تنگه هرمز و اطلاع و آگاهی از وضعیت خروج آنها از این آبراه است. اگر این خبر که خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام بلندپایه ایرانی منتشر کرده، مبنای معاملات این هفته قرار گیرد، بازارهای ایران بیش از آنکه به خود خبر واکنش نشان دهند به برداشت خود از احتمال موفقیت یا شکست مذاکرات درباره تنگه هرمز واکنش نشان خواهند داد. طبق گزارش رویترز، تهران خواستار کنترل بر مسیر ورودی کشتی‌ها و اطلاع و امکان مداخله در خروج آنها از تنگه هرمز شده است؛ موضوعی که همچنان یکی از اصلی‌ترین محورهای مذاکرات ایران و عمان برای بازگشایی این آبراه به شمار می‌رود. بازارهای مالی معمولاً از خود خبر نمی‌ترسند. آنها از افزایش یا کاهش «ریسک» می‌ترسند. بنابراین نخستین پرسش فعالان اقتصادی این خواهد بود که آیا این موضع، نشانه نزدیک شدن به توافق است یا نشانه سخت‌تر

رشته مالی (Finance) نیز با درآمد تجمعی ۶/۵۸ میلیون دلار در رتبه سوم قرار گرفته است. رشد بازارهای مالی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، مدیریت ثروت، سرمایه‌گذاری خصوصی، بانکداری و شرکت‌های فناوری مالی باعث شده، متخصصان این حوزه از پردرآمدترین کارکنان اقتصاد آمریکا باشند. در بسیاری از شرکت‌های بزرگ، مدیران مالی و تحلیلگران سرمایه‌گذاری نه‌تنها حقوق بالا دریافت می‌کنند بلکه از پاداش‌های سالانه و سهام شرکت نیز بهره‌مند می‌شوند؛ عاملی که درآمد نهایی آنها را به شکل قابل‌توجهی افزایش می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین پیام‌های این گزارش، جایگاه ممتاز رشته‌های مرتبط با فناوری اطلاعات است. علوم کامپیوتر با ۶/۱۹ میلیون دلار و مهندسی کامپیوتر با ۶/۴۸ میلیون دلار نشان می‌دهند، اقتصاد دیجیتال همچنان موتور اصلی ایجاد درآمدهای بالا در آمریکاست. رشد شرکت‌های فناوری، توسعه هوش مصنوعی، رایانش ابری، امنیت سایبری، داده‌کاوی و نرم‌افزار باعث شده، تقاضا برای متخصصان این حوزه همچنان در سطح بسیار بالایی باقی بماند. حتی بسیاری از شرکت‌های غیرتکنولوژیک نیز امروز به برنامه‌نویسان، متخصصان داده و مهندسان نرم‌افزار وابسته‌اند؛ موضوعی که امنیت شغلی و درآمد این رشته‌ها را افزایش داده است.

گزارش جدید نشان می‌دهد که خدمات ساختمانی و حمل‌ونقل نیز درآمدزا هستند. شاید حضور رشته‌هایی مانند خدمات ساختمانی با ۱۲/۶ میلیون دلار و فناوری‌های حمل‌ونقل با ۵/۹۲ میلیون دلار برای بسیاری غیرمنتظره باشد. این رشته‌ها معمولاً با مدیریت پروژه‌های عمرانی، طراحی زیرساخت، لجستیک، صنایع هوایی، حمل‌ونقل ریلی و زنجیره تأمین ارتباط دارند؛ حوزه‌هایی که در اقتصاد آمریکا سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در آنها انجام می‌شود.

چرا رشته‌های پردرآمد چنین جایگاهی دارند؟

اگر به فهرست ۱۰ رشته نخست نگاه کنیم یک الگوی مشخص دیده می‌شود. تقریباً همه آنها سه ویژگی مشترک دارند: مهارت‌های کمی و تحلیلی بالا، تقاضای گسترده در بازار کار، امکان ارتقای سریع شغلی و مدیریتی. این رشته‌ها معمولاً به صنایعی متصل هستند که ارزش افزوده بالایی تولید می‌کنند؛ مانند فناوری، انرژی، خدمات مالی، صنایع پیشرفته و زیرساخت. به همین دلیل شرکت‌ها حاضرند برای جذب نیروهای متخصص، دستمزدهای بالاتری پرداخت کنند. در نقطه مقابل، کم‌درآمدترین رشته‌های دانشگاهی عمدتاً در حوزه آموزش، خدمات اجتماعی و مراقبت‌های انسانی قرار دارند. کمترین درآمد طول عمر مربوط به آموزش کودکان خردسال است که تنها ۲/۵۳ میلیون دلار برآورد شده؛ رقمی که فاصله چندانی با افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی ندارد. پس از آن آموزش ابتدایی با ۲/۸۲ میلیون دلار، مددکاری اجتماعی با ۲/۹۸ میلیون دلار، آموزش هنر و موسیقی با ۳/۰۶ میلیون دلار و آموزش عمومی با ۳/۱۴ میلیون دلار قرار دارند. همچنین رشته‌های الهیات و مشاغل مذهبی، علوم خانوادہ و مصرف‌کننده، آموزش تربیت‌بدنی، مدیریت خدمات سلامت و خدمات عمومی پزشکی و سلامت نیز در میان کم‌درآمدترین رشته‌ها دیده می‌شوند.

کمترین‌ها

اما پرسش مهمی که پیش می‌آید، این است که چرا رشته‌های اجتماعی درآمد کمتری دارند؟ پایین بودن درآمد این رشته‌ها الزاماً به معنای کم‌اهمیت بودن آنها نیست.

برعکس، بسیاری از این مشاغل نقش حیاتی در سلامت، آموزش و رفاه جامعه دارند، اما ارزش اقتصادی آنها در بازار کار به اندازه حوزه‌هایی مانند فناوری یا مالی نیست. حقوق معلمان، مربیان کودک، مددکاران اجتماعی و هنرمندان معمولاً توسط دولت، مدارس یا سازمان‌های غیرانتفاعی پرداخت می‌شود؛ نهادهایی که محدودیت بودجه دارند و امکان پرداخت دستمزدهای بسیار بالا را ندارند. در مقابل، شرکت‌های فناوری، بانک‌های سرمایه‌گذاری یا صنایع بزرگ مستقیماً از افزایش بهره‌وری کارکنان خود سود می‌برند و بنابراین حاضرند حقوق‌های بسیار بیشتری پرداخت کنند.

شکاف درآمدی

براساس این گزارش، فاصله میان بالاترین و پایین‌ترین رشته جدول به بیش از ۴/۳ میلیون دلار در طول عمر کاری می‌رسد. به بیان دیگر یک فارغ‌التحصیل اقتصاد به‌طور متوسط نزدیک به ۲/۷ برابر یک فارغ‌التحصیل آموزش کودکان درآمد کسب می‌کند. چنین اختلافی نشان می‌دهد انتخاب رشته دانشگاهی یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های اقتصادی زندگی هر فرد است. البته این ارقام میانگین هستند و موفقیت فردی همچنان به عواملی مانند استعداد، تلاش، مهارت، تجربه، محل اشتغال و مسیر شغلی بستگی دارد. افراد بسیاری در رشته‌های کم‌درآمد نیز به موفقیت‌های مالی بزرگ دست یافته‌اند و در مقابل، همه فارغ‌التحصیلان رشته‌های پردرآمد، الزاماً درآمدهای بسیار بالا ندارند. در مجموع این گزارش، تصویری روشن از ساختار اقتصاد آمریکا ارائه می‌دهد. بازار کار بیشترین پاداش را به رشته‌هایی می‌دهد که با تحلیل داده، فناوری، مهندسی، اقتصاد و مدیریت سرمایه ارتباط دارند؛ حوزه‌هایی که موتور رشد بهره‌وری و نوآوری محسوب می‌شوند. در مقابل، رشته‌های مرتبط با آموزش، مراقبت از کودکان، خدمات اجتماعی، هنر و موسیقی اگرچه از نظر اجتماعی و فرهنگی اهمیت فراوانی دارند اما از منظر بازار کار و درآمد، بازده مالی بسیار کمتری ایجاد می‌کنند. این یافته‌ها یادآور آن است که دانشگاه تنها محل کسب دانش نیست؛ بلکه انتخاب رشته، نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت بر سرمایه انسانی است. سرمایه‌گذاری‌ای که می‌تواند در طول چهار دهه فعالیت حرفه‌ای، میلیون‌ها دلار اختلاف درآمد ایجاد کند و مسیر اقتصادی زندگی افراد را به شکل بنیادین تغییر دهد.

درس‌هایی برای ایران

این گزارش هشدارد درباره شکاف میان نظام آموزش عالی و نیازهای واقعی اقتصاد در ایران است. در بسیاری از دانشگاه‌های ایران، انتخاب رشته همچنان بیش از آنکه بر پایه چشم‌انداز بازار کار و بازده اقتصادی باشد تحت تأثیر ظرفیت دانشگاه‌ها، پرستیژ اجتماعی یا محدودیت‌های کنکور انجام می‌شود. نتیجه آن تربیت هزاران فارغ‌التحصیل در رشته‌هایی است که تقاضای محدودی در بازار کار دارند و در مقابل، کمبود نیروی متخصص در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، مالی، علوم داده، هوش مصنوعی، مهندسی نرم‌افزار و برخی شاخه‌های مهندسی احساس می‌شود. درس دیگر این گزارش، ضرورت انتشار مستمر داده‌های بازار کار است. دانش‌آموزان و خانواده‌ها باید بدانند فارغ‌التحصیلان هر رشته چه میزان اشتغال، درآمد و فرصت پیشرفت دارند تا انتخاب آنها بر پایه اطلاعات باشد نه تصور یا شهرت یک رشته. البته نباید این تلیاس را به معنای بی‌اهمیت بودن رشته‌های آموزش، هنر یا خدمات اجتماعی دانست. این مشاغل برای توسعه انسانی و سرمایه اجتماعی هر کشور حیاتی‌اند اما اگر جامعه به آنها نیاز دارد، سیاست‌گذار باید با اصلاح نظام دستمزد و حمایت‌های مالی، شکاف میان ارزش اجتماعی و ارزش اقتصادی این مشاغل را کاهش دهد. تجربه آمریکا نشان می‌دهد که هرچه اقتصاد رقابتی‌تر، دانش‌بنیان‌تر و نوآورتر باشد، مهارت‌های تحلیلی، کمی و فناوریانه ارزش بیشتری پیدا می‌کند. اگر ایران نیز به‌دنبال رشد پایدار و افزایش بهره‌وری است باید نظام آموزش عالی خود را بیش از گذشته با نیازهای اقتصاد آینده هماهنگ کند، نه با نیازهای گذشته.

دیگر می‌تواند به پناهگاه سرمایه‌گذاران تبدیل شود. بخش مهم دیگری که باید زیر نظر داشت، بازار حمل‌ونقل دریایی و تجارت خارجی است. تنگه هرمز مسیر عبور حدود یک‌پنجم تجارت جهانی نفت است و هر تغییری در نحوه مدیریت یا بازگشایی آن مستقیماً بر هزینه بیمه کشتی‌ها، کرایه حمل و زمان تحویل کالا اثر می‌گذارد. اگر مذاکرات به توافقی عملی منجر شود، هزینه‌های حمل‌ونقل و ریسک بیمه می‌تواند به‌تدریج کاهش یابد؛ موضوعی که برای واردکنندگان و صادرکنندگان ایرانی اهمیت زیادی دارد. با این حال نباید فراموش کرد که خبر منتشرشده بر پایه نقل‌قول از یک مقام آگاه و بدون اعلام رسمی از سوی دولت‌های دیگر است. از این رو بازارها علاوه بر خود خبر، منتظر تأیید یا تکذیب رسمی و نیز جزئیات بیشتر مذاکرات خواهند ماند. تجربه ماه‌های گذشته نیز نشان داده که اخبار مربوط به تنگه هرمز بارها با اظهارات متناقض طرف‌های مختلف همراه بوده و همین موضوع نوسانات کوتاه‌مدت را تشدید کرده است. در مجموع مهم‌ترین متغیر این هفته برای بازارهای ایران نه صرفاً خبر رویترز بلکه برداشت فعالان اقتصادی از مسیر مذاکرات خواهد بود. اگر این خبر به‌عنوان گامی در جهت دستیابی به توافق بر سر بازگشایی هرمز تفسیر شود، احتمال آرامش نسبی در بازار ارز، بهبود فضای بورس و کاهش انتظارات تورمی بیشتر خواهد شد. اما اگر معامله‌گران آن را نشانه‌ای از پیچیدتر شدن مذاکرات بدانند، سناریوی افزایش احتیاط، رشد تقاضا برای دارایی‌های امن و نوسان بیشتر در بازارها محتمل‌تر است. در چنین شرایطی، بازار بیش از آنکه به نترها واکنش نشان دهد به اخبار تکمیلی و نشانه‌های عملی از پیشرفت یا توقف مذاکرات چشم خواهد دوخت.

شوگ ۲۰۰ میلیونی

افزایش وثیقه خروج دانشجویان از کشور



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

به روزرسانی تازه در سامانه «سخا» متقاضیان خروج از کشور را با دست‌انداز مالی تازه‌ای روبه‌رو کرده است. براساس تغییراتی که در سامانه خدمات الکترونیک انتظامی اعمال شده، مبلغ وثیقه خروج از کشور برای مشمولان نظام وظیفه بدون اطلاع‌رسانی قبلی تا بیش از سه برابر افزایش یافته است؛ تصمیمی که بیش از همه متقاضیان ادامه تحصیل (اپای) و سفرهای سیاحتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تغییرات جدید در سامانه سخا

براساس اطلاعات درج شده در سامانه سخا، جدول جدید مبالغ وثیقه و مدت زمان مجاز خروج برای گروه‌های مختلف مشمولان به این شرح تغییر یافته است:
ادامه تحصیل (اپای): افزایش از ۸۰ میلیون به ۲۰۰ میلیون تومان (مدت مجاز: طول دوره تحصیل)
سفرهای سیاحتی و توریستی: افزایش از ۶۰ میلیون به ۲۰۰ میلیون تومان (مدت مجاز: ۲۰ تا ۳۰ روز)
سفرهای زیارتی (عتبات و حج): افزایش از ۱۰ میلیون به ۳۰ میلیون تومان (مدت مجاز: ۳۰ تا ۵۰ روز)

گردشگری

حلقه مفقوده حکمرانی گردشگری

ایران بیش از جاذبه، به یک روایت جهانی معتبر نیاز دارد



محمد رضا رستمی

مشاور عالی برند و راهبری سازمان

جنگ‌ها فقط در میدان‌های نبرد رخ نمی‌دهند؛ بسیاری از آنها سال‌ها پیش از شلیک نخستین گلوله در ذهن ملت‌ها آغاز شده‌اند. همان‌گونه که صلح نیز تنها محصول توافقات سیاسی نیست؛ از دل اعتماد، شناخت و تجربه مشترک ملت‌ها شکل می‌گیرد. در چنین جهانی، گردشگری دیگر صرفاً یک صنعت خدماتی نیست؛ یکی از مهم‌ترین ابزارهای تولید اعتماد، اعتبار و قدرت نرم کشورهاست.

شاید به همین دلیل باشد که کشورهایی که توانسته‌اند خود را به مقصدهای معتبر گردشگری جهان تبدیل کنند، تنها از درآمدهای میلیارد دلاری این صنعت بهره‌مند نشده‌اند؛ بلکه شبکه‌ای گسترده از روابط انسانی، روایت‌های مثبت و سرمایه اجتماعی جهانی را نیز پیرامون خود ساخته‌اند. میلیون‌ها گردشگری که هر سال از این کشورها بازدید می‌کنند، تنها مصرف‌کننده خدمات گردشگری نیستند؛ آنان پس از بازگشت به روایتگران تجربه خود و سفیران غیررسمی آن کشور تبدیل می‌شوند.

البته گردشگری به‌تنهایی مانع جنگ یا بحران‌های سیاسی نمی‌شود اما می‌تواند، هزینه شکل‌گیری و تداوم روایت‌های خصمانه را افزایش دهد. کشوری که میلیون‌ها نفر آن را از نزدیک دیده، تجربه کرده و به دیگران معرفی کرده‌اند، در برابر پروژه‌های ایران‌هراسی یا هر روایت منفی دیگری، سرمایه‌ای ارزشمند در اختیار دارد؛ سرمایه‌ای که در ادبیات روابط بین‌الملل از آن با عنوان «قدرت نرم» و در ادبیات برندینگ با عنوان «سرمایه اعتبار» یاد می‌شود.

جنگ اخیر آمریکا علیه ایران بار دیگر اهمیت این سرمایه نامرئی و ناملموس را یادآوری کرد. در چنین شرایطی بیش از همیشه باید این پرسش را مطرح کرد که سهم وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در تقویت این سرمایه چیست؟

اگر از مدیران این وزارتخانه پرسیده شود که مهم‌ترین مأموریت آن چیست احتمالاً از مرمت آثار تاریخی، توسعه زیرساخت‌ها، افزایش تعداد هتل‌ها، صدور مجوزها یا جذب گردشگران سخن خواهند گفت. همه این وظایف ضروری‌اند اما پرسش اینجاست که آیا اینها مأموریت اصلی یک وزارت گردشگری در قرن بیست‌ویکم است؟

به نظر می‌رسد، پاسخ منفی است. مهم‌ترین مأموریت این وزارتخانه باید راهبری برند ملی گردشگری ایران باشد؛ زیرا همه فعالیت‌های دیگر، از مرمت یک بنای تاریخی تا ساخت یک هتل با



خروج را برای بخشی از متقاضیان دشوارتر می‌کند. در مقابل موافقان این سیاست استدلال می‌کنند که وثیقه صرفاً تضمینی برای بازگشت مشمولان است و با توجه به هزینه‌های بالای تحصیل در خارج از کشور، افرادی که توانایی تأمین هزینه‌های دانشگاه و زندگی در خارج را دارند احتمالاً امکان تأمین مبلغ وثیقه را نیز خواهند داشت. همین دو نگاه متفاوت، بحث درباره اثربخشی این سیاست را به یکی از موضوعات مورد توجه تبدیل کرده است.

واکنش‌ها در پارلمان؛ نقد از دو زاویه متفاوت

افزایش سه برابری وثیقه تحصیلی با واکنش برخی نمایندگان مجلس نیز روبه‌رو شده است. سیدابوالحسن مصطفوی غم‌ام، نایب‌رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس، با انتقاد از مشخص نبودن مبنای قانونی و ارزیابی‌های اجتماعی این تصمیم، خواستار بررسی دقیق ابعاد حقوقی و اقتصادی آن شد. او در عین حال معتقد است، مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان در

خروج از کشور ادامه دارد. کیفیت اطلاع‌رسانی، خدمات دیجیتال، حمل‌ونقل، امکان پرداخت، راهنمایی چندزبانه، رفتار ارائه‌دهندگان خدمات و حتی روایت رسانه‌ها همگی اجزای برند گردشگری ایران هستند. هر جا میان وعده و تجربه فاصله ایجاد شود، سرمایه برند نیز آسیب می‌بیند.

اگر بپذیریم که مأموریت وزارتخانه، راهبری برند ملی گردشگری ایران است طبیعتاً شاخص‌های ارزیابی عملکرد آن نیز باید تغییر کند. دیگر نمی‌توان موفقیت را تنها با تعداد هتل‌ها، مجوزها یا پروژه‌های عمرانی سنجید. باید پرسید: آیا جایگاه برند گردشگری ایران در بازارهای هدف ارتقا یافته است؟ آیا اعتماد گردشگران خارجی به ایران افزایش یافته است؟ آیا روایت رسانه‌های جهانی درباره ایران متوازن‌تر شده است؟ آیا نرخ بازگشت گردشگران رشد کرده است؟ آیا تجربه سفر به ایران، تصویری متفاوت از روایت‌های غالب رسانه‌ای ایجاد می‌کند؟ آیا هر گردشگر، پس از بازگشت، به یک سفیر داوطلب برای ایران تبدیل می‌شود؟ اینها شاخص‌های واقعی موفقیت در حکمرانی گردشگری هستند.

شاید اکنون زمان آن رسیده باشد که مأموریت وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بازتعریف شود. این وزارتخانه باید از یک دستگاه اجرایی که وظیفه اصلی خود را مدیریت تأسیسات، مجوزها و بناهای تاریخی می‌داند به نهادی تبدیل شود که مسئولیت راهبری برند ملی گردشگری ایران را برعهده دارد؛ نهادی که مأموریتش خلق، مدیریت، پایش و ارتقای تصویر ایران به‌عنوان مقصدی معتبر، جذاب و قابل اعتماد در ذهن جهانیان است.

در چنین نگاهی هر بنای تاریخی مرمت شده، هر جشنواره، هر موزه، هر اقامتگاه بوم‌گردی، هر نمایشگاه بین‌المللی و هر اقدام اداره‌های کل استانی، دیگر یک فعالیت منفرد نخواهد بود؛ بلکه قطعه‌ای از پازل بزرگ «برند ملی گردشگری ایران» خواهد شد. اقتصاد گردشگری پیش از آنکه به هتل، فرودگاه یا جاذبه‌های طبیعی وابسته باشد به اعتماد وابسته است؛ و اعتماد، محصول برند است.

شاید امروز پس از تجربه یکی از پرتشترین دوره‌های سیاست خارجی ایران بیش از هر زمان دیگری باید به این حقیقت اندیشید که امنیت پایدار تنها با قدرت نظامی تضمین نمی‌شود. کشوری که میلیون‌ها نفر آن را از نزدیک دیده‌اند، فرهنگش را لمس کرده‌اند، مهمان‌نوازی مردمش را تجربه کرده‌اند و روایت خود را از آن برای دیگران بازگو می‌کنند از سرمایه‌ای برخوردار است که هیچ‌بودجه تبلیغاتی و هیچ کمپین رسانه‌ای نمی‌تواند، جایگزین آن شود. از این‌منظر سرمایه‌گذاری بر برند ملی گردشگری ایران صرفاً یک سیاست اقتصادی یا فرهنگی نیست؛ سرمایه‌گذاری بر اعتبار بین‌المللی، قدرت نرم، تاب‌آوری ملی و آینده ایران است. و اگر چنین نگاهی پذیرفته شود، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی دیگر تنها متولی گردشگری نخواهد بود؛ بلکه یکی از راهبردی‌ترین نهادهای کشور در ساختن تصویر ایران در جهان خواهد بود.

مقایسه با هزینه‌های تحصیل در بسیاری از کشورهای مقصد رقم بازدارنده‌ای نیست. به گفته وی، شهریه یک ترم تحصیل در برخی دانشگاه‌های منطقه، ازجمله در ترکیه، می‌تواند از مبلغ وثیقه نیز بیشتر باشد بنابراین، این سیاست لزوماً مانع خروج دانشجویان نخواهد شد. مصطفوی در عین حال تأکید کرده که دولت به جای تمرکز بر دریافت وثیقه باید برنامه‌ای مشخص برای بازگشت نخبگان و استفاده از ظرفیت نیروهای متخصص تدوین کند؛ موضوعی که به گفته او تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

فراتر از یک عدد؛ مسئله اعتماد و پیش‌بینی‌پذیری

آنچه بیش از رقم ۲۰۰ میلیون تومان مورد توجه قرار گرفته نحوه اجرای این تصمیم است. بسیاری از متقاضیان معتقدند تغییر ناگهانی مقررات، آن هم در میانه فرآیند دریافت پذیرش یا برنامه‌ریزی برای سفر، امکان برنامه‌ریزی مالی را از خانواده‌ها سلب می‌کند. در چنین شرایطی حتی افرادی که در نهایت قادر به تأمین وثیقه هستند نیز با هزینه‌های پیش‌بینی نشده و تغییر ناگهانی قواعد مواجه می‌شوند. کارشناسان حوزه سیاستگذاری عمومی نیز بارها بر اهمیت ثبات مقررات در تصمیمات مرتبط با آموزش، مهاجرت و سرمایه انسانی تأکید کرده‌اند. به باور آنان تصمیماتی که بدون اطلاع‌رسانی قبلی و دوره گذار اجرا می‌شوند، می‌توانند هزینه‌های اجتماعی بیشتری نسبت به خود سیاست ایجاد کنند. به گزارش سازندگی: در نهایت، افزایش وثیقه خروج از کشور صرفاً یک تغییر عددی در سامانه سخا نیست؛ بلکه تصمیمی است که بر برنامه‌ریزی تحصیلی، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و نگاه بخشی از جوانان به آینده اثر می‌گذارد. اینکه این سیاست تا چه اندازه می‌تواند به اهداف مورد نظر خود دست یابد یا نیازمند بازنگری و اصلاح باشد، موضوعی است که احتمالاً در هفته‌ها و ماه‌های آینده، هم در میان مسئولان و هم در افکار عمومی همچنان محل بحث خواهد بود.

حادثه

انفجار در کارخانه شمس آباد

۱۸ مصدوم در انفجار در شهرک صنعتی

انفجار در یکی از واحدهای تولیدی شهرک صنعتی شمس‌آباد شهرستان ری، ظهر دیروز موجب شنیده شدن صدای مهیبی در مناطق اطراف و نگرانی شهروندان شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد این حادثه بر اثر انفجار مخزن مواد صنعتی در یک کارخانه تولید آلومینیوم رخ داده و هیچ ارتباطی با اصابت پرتابه یا عوامل خارجی نداشته است.

بیژن سلیمان‌پور، معاون استاندار تهران و فرماندار ویژه شهرستان ری، با رد شایعات منتشر شده درباره منشأ این انفجار، اعلام کرد که حادثه در یکی از مخازن حاوی مواد صنعتی یک واحد تولیدی در شهرک صنعتی شمس‌آباد رخ داده است. وی تأکید کرد تاکنون هیچ مورد فوتی در این حادثه گزارش نشده و علت دقیق وقوع انفجار و میزان خسارات وارده همچنان در دست بررسی است.

براساس اعلام سخنگوی اورژانس استان تهران شمار مصدومان این حادثه تاکنون به ۱۸ نفر رسیده که چهار نفر از آنان برای ادامه درمان به مراکز درمانی منتقل شده‌اند. همچنین در جریان انفجار، یکی از پایگاه‌های اورژانس مستقر در نزدیکی محل حادثه نیز دچار خسارت و تخریب شد اما خوشبختانه نیروهای اورژانس هنگام وقوع حادثه در مأموریت بودند و آسیبی ندیدند.

داود ولی، عضو هیأت مدیره شهرک صنعتی شمس‌آباد نیز اعلام کرد، صدای انفجار مربوط به یکی از کارخانه‌های شهرک آلومینیوم‌کاران بوده و براساس گزارش‌های اولیه، انفجار در مخزن داخلی این واحد تولیدی رخ داده است. همچنین خبرگزاری صداوسیما گزارش داد که حادثه در مخزن ریخته‌گری یک کارخانه آلومینیوم به وقوع پیوسته است.

شدت انفجار و دود ناشی از آن موجب نگرانی ساکنان مناطق اطراف و شکل‌گیری گمانه‌زنی‌هایی در فضای مجازی شد اما مسئولان محلی بار دیگر تأکید کردند که این حادثه صرفاً یک سانحه صنعتی بوده و هیچ نشانه‌ای از وقوع حادثه امنیتی یا نظامی وجود ندارد. فرماندار ویژه شهرستان ری از شهروندان خواست، اخبار مربوط به این حادثه را تنها از منابع رسمی و خبرگزاری‌های معتبر دنبال کنند و از انتشار شایعاتی که موجب تشویش افکار عمومی و خدشه به امنیت روانی جامعه می‌شود، خودداری کنند.

